

ماجرای گروگانها پایان می یابد

سارت بسر می برند که سه نفر آنها امریکائی، دو نفر آلمانی و یک نفر دیگر ایتالیائی هستند. دبیر کل سازمان ملل متحد گفته است که علائم و اشاراتی دریافت کرده است که ماجرای گروگانگیری تا پایان سال میلادی جاری پایان می یابد. رادیوی جمهوری اسلامی نیز گفته است که با توجه به تلاشهای دبیر کل سازمان ملل و همکاری ایران و سوریه و یقیناً در صحنه ۲

منته گذشته دو گروگان فربنی دیگر بناهای تری ویت و توماس ساترلند آزادی خود را بازیافتند. پیش از آزادی این گروگانها روزنامه تهران تایمز مطابق معمول آزادی آنها را پیش بینی کرده بود. همین روزنامه باز پیش بینی کرده است که سه گروگان دیگر امریکائی بزودی و حداکثر تا پایان ماه میلادی جاری آزاد خواهند شد. هم اکنون ۶ گروگان در

کدام

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۶ آذر ۱۳۷۰ - ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ - دوره سوم شماره ۲۴

آزادی ۴۲۱ اسیر عراقی

بشارتی قائم مقام وزارت خارجه جمهوری اسلامی گفته شده است که تعداد زیادی از این ۵ هزار اسیر ایرانی به شهادت رسیده اند و تنها حدود ۴۴۰ نفر از آنها زنده اند که در زندانهای عراق بسر می برند. موضوع اسرای باقی مانده جنگی و نیز چگونگی تفسیر دو کشور از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در باره بقیه در صحنه ۲

روز جمعه گذشته جمهوری اسلامی ایران بطور یکجانبه ۴۲۱ تن از اسرای عراقی جنگساله میان دو کشور را آزاد کرد. جمهوری اسلامی قبل از آزادی این هده دبیر کل سازمان ملل متحد را از قصد خود باخبر ساخته بود. این در حالیست که دولت عراق هنوز به درخواست ایران برای آزادی ۵ هزار اسیر ایرانی که در عراق زندانی هستند پاسخی نداده است. از قول علی محمد

راه دشوار عادی سازی روابط با آمریکا

دولت هاشمی رفسنجانی در تلاش دو ساله خود برای نزدیکی و بهبود مناسبات با غرب، بویژه با آمریکا، یکی از موانع اساسی بر سر راه آنرا از میان برداشت. این مانع، گروگانهای فربنی در لبنان بود که فربنیها بویژه امریکائیان را کلید هر نوع گشایشی در مناسبات خود با تهران قلمداد می کردند. اکنون گروگانهای فربنی یکی پس از دیگری آزاد می شوند و این ماجرای چندین ساله می رود که بزودی و برای همیشه پایان یابد. با رفع این مانع راه برای آغاز مجدد دیپلماسی پنجهان و آشکارا تهران و واشینگتن باز شده است. عادی سازی مناسبات تهران و واشینگتن راه پر پیچ و خم و بسیار دشواری است و پیمودن آن برای دولت رفسنجانی آسان نیست. هم از آنرو که رفسنجانی هنوز با مقاومتی جدی در داخل هیات حاکمه جمهوری اسلامی روبروست و هم از آنجهت که ضعف او بر حریف امریکایی آشکار است و این حریف قصد بهره برداری از آن و پیچاندن او را دارد. رفسنجانی با آنکه مدتی است در ارتباط با تمایلاتش برای دستیابی به تکنولوژی هسته ای زیر فشار امریکاست. اما به آدمربایان تحت الحمايه خود در لبنان اشاره می دهد که دست از شرطو شروط بردارند و به ماجرا پایان دهند و اصلا به روی خود نمی آورند که در کنگره امریکا بر تروویست بودن رژیم او و ادامه تحریم آن تاکید شده و سناتورهای در اقدامی کم سابقه، پرونده جنایات و تبعکاریهای رژیم او را بدست گرفته و از بیکری می خواهند در مجمع عمومی سازمان ملل از محکومیت حکام تهران بخاطر نقض حقوق بشر قطعنامه ارائه دهد و از تصویب آن دفاع نماید.

دولت هاشمی رفسنجانی در تلاش دو ساله خود برای نزدیکی و بهبود مناسبات با غرب، بویژه با آمریکا، یکی از موانع اساسی بر سر راه آنرا از میان برداشت. این مانع، گروگانهای فربنی در لبنان بود که فربنیها بویژه امریکائیان را کلید هر نوع گشایشی در مناسبات خود با تهران قلمداد می کردند. اکنون گروگانهای فربنی یکی پس از دیگری آزاد می شوند و این ماجرای چندین ساله می رود که بزودی و برای همیشه پایان یابد. با رفع این مانع راه برای آغاز مجدد دیپلماسی پنجهان و آشکارا تهران و واشینگتن باز شده است. عادی سازی مناسبات تهران و واشینگتن راه پر پیچ و خم و بسیار دشواری است و پیمودن آن برای دولت رفسنجانی آسان نیست. هم از آنرو که رفسنجانی هنوز با مقاومتی جدی در داخل هیات حاکمه جمهوری اسلامی روبروست و هم از آنجهت که ضعف او بر حریف امریکایی آشکار است و این حریف قصد بهره برداری از آن و پیچاندن او را دارد. رفسنجانی با آنکه مدتی است در ارتباط با تمایلاتش برای دستیابی به تکنولوژی هسته ای زیر فشار امریکاست. اما به آدمربایان تحت الحمايه خود در لبنان اشاره می دهد که دست از شرطو شروط بردارند و به ماجرا پایان دهند و اصلا به روی خود نمی آورند که در کنگره امریکا بر تروویست بودن رژیم او و ادامه تحریم آن تاکید شده و سناتورهای در اقدامی کم سابقه، پرونده جنایات و تبعکاریهای رژیم او را بدست گرفته و از بیکری می خواهند در مجمع عمومی سازمان ملل از محکومیت حکام تهران بخاطر نقض حقوق بشر قطعنامه ارائه دهد و از تصویب آن دفاع نماید.

موافقت رژیم با بازرسی از زندانها

با بالاگرفتن احتمال طرح مجدد نقض حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی سازمان ملل، جمهوری اسلامی اعلام کرد با بازرسی نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ از زندانهای ایران موافق است

تهران، که برای بررسی تجاوزات حکومت اسلامی به حقوق انسانی صورت گرفته بود، متعجب شد که با نمایندگان صلیب سرخ بین المللی برای بازرسی منظم از زندانها و زندانیان سیاسی در ایران همکاری نماید. اما علیرغم درخواستهای مکرر کمیته بین المللی صلیب سرخ، جمهوری اسلامی حاضر به اجرای تصد خود و همکاری با بازرسان آن نبود. اعلام موافقت جمهوری اسلامی با بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندانهای ایران زمانی صورت می گیرد که احتمال طرح مجدد نقض حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی امسال سازمان ملل نشان دهد.

بدرستی آزادی دو تن از گروگانها و اعلام آزادی فربنی از وقوع تمامی گروگانهای فربنی از سوی رژیم اسلامی ایران، خبرگزاریها گزارش دادند که دولت امریکا و حکومت جمهوری اسلامی در تدارک امضاء قراردادی برای آزاد کردن دارائیهای بلوکه شده ایران در امریکا هستند. مذاکرات و توافق های اولیه بین مقامات دو کشور، سه هفته پیش در لاهه صورت

بدرستی آزادی دو تن از گروگانها و اعلام آزادی فربنی از وقوع تمامی گروگانهای فربنی از سوی رژیم اسلامی ایران، خبرگزاریها گزارش دادند که دولت امریکا و حکومت جمهوری اسلامی در تدارک امضاء قراردادی برای آزاد کردن دارائیهای بلوکه شده ایران در امریکا هستند. مذاکرات و توافق های اولیه بین مقامات دو کشور، سه هفته پیش در لاهه صورت

آغاز مذاکرات برای آزادی داراییهای ایران

دولت رفسنجانی دو سال است که برای بهبود رابطه با امریکا و آزاد کردن دارائیهای بلوکه شده ایران تلاش می کند. دولت امریکا در این زمینه حصول به نتیجه را مشروط به آزادی گروگانهای امریکائی و فربنی کرده بود. جمهوری اسلامی ایران با تلاش برای آزادی کلیه گروگانها این مانع را از سر راه بهبود مناسبات با امریکا برداشته است.

بدرستی آزادی دو تن از گروگانها و اعلام آزادی فربنی از وقوع تمامی گروگانهای فربنی از سوی رژیم اسلامی ایران، خبرگزاریها گزارش دادند که دولت امریکا و حکومت جمهوری اسلامی در تدارک امضاء قراردادی برای آزاد کردن دارائیهای بلوکه شده ایران در امریکا هستند. مذاکرات و توافق های اولیه بین مقامات دو کشور، سه هفته پیش در لاهه صورت

بدرستی آزادی دو تن از گروگانها و اعلام آزادی فربنی از وقوع تمامی گروگانهای فربنی از سوی رژیم اسلامی ایران، خبرگزاریها گزارش دادند که دولت امریکا و حکومت جمهوری اسلامی در تدارک امضاء قراردادی برای آزاد کردن دارائیهای بلوکه شده ایران در امریکا هستند. مذاکرات و توافق های اولیه بین مقامات دو کشور، سه هفته پیش در لاهه صورت

احضار نایب رئیس مجلس به دادگاه ویژه روحانیت

کمیته بین المللی صلیب سرخ، که برای بررسی تجاوزات حکومت اسلامی به حقوق انسانی صورت گرفته بود، متعجب شد که با نمایندگان صلیب سرخ بین المللی برای بازرسی منظم از زندانها و زندانیان سیاسی در ایران همکاری نماید. اما علیرغم درخواستهای مکرر کمیته بین المللی صلیب سرخ، جمهوری اسلامی حاضر به اجرای تصد خود و همکاری با بازرسان آن نبود. اعلام موافقت جمهوری اسلامی با بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندانهای ایران زمانی صورت می گیرد که احتمال طرح مجدد نقض حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی امسال سازمان ملل نشان دهد.

بدرستی آزادی دو تن از گروگانها و اعلام آزادی فربنی از وقوع تمامی گروگانهای فربنی از سوی رژیم اسلامی ایران، خبرگزاریها گزارش دادند که دولت امریکا و حکومت جمهوری اسلامی در تدارک امضاء قراردادی برای آزاد کردن دارائیهای بلوکه شده ایران در امریکا هستند. مذاکرات و توافق های اولیه بین مقامات دو کشور، سه هفته پیش در لاهه صورت

بدرستی آزادی دو تن از گروگانها و اعلام آزادی فربنی از وقوع تمامی گروگانهای فربنی از سوی رژیم اسلامی ایران، خبرگزاریها گزارش دادند که دولت امریکا و حکومت جمهوری اسلامی در تدارک امضاء قراردادی برای آزاد کردن دارائیهای بلوکه شده ایران در امریکا هستند. مذاکرات و توافق های اولیه بین مقامات دو کشور، سه هفته پیش در لاهه صورت

کنفرانس گروه ۷۷ در تهران

این کشورها با کشورهای پیشرفته موضوعات عمده این کنفرانس است. کنفرانس گروه ۷۷ سه شنبه منته گذشته با سخنرانی هاشمی رفسنجانی کار خود را آغاز کرد. نقطه نظرات کشورهای شرکت کننده در یک بیانیه نهائی برای ارائه به اجلاس هشتم، انعقاد انعکاس می یابد. رفسنجانی در سخنرانی افتتاحیه خود گفت ادامه شکاف اقتصادی بین کشورهای پیشرفته و توسعه نیافته امنیت و صلح جهان را تهدید می کند و لازم است اقدام موثر و عاجل برای کاهش این شکاف از رئیس دوم مجلس، گروهی از

اجلاس وزرای کشورهای در حال توسعه موسوم به "گروه ۷۷" با شرکت نمایندگان ۱۲۸ کشور جهان منته گذشته در تهران گشایش یافت. این اجلاس جهت هماهنگی نظرات کشورهای در حال توسعه در هشتمین اجلاس کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد (آنکتاد) که در آینده نزدیک برگزار خواهد شد، تشکیل شده است. بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی مسائل و مشکلات گریبانگیر کشورهای جهان سوم از قبیل مشکل بدهیها دشواریهای رشد و توسعه در کشورهای رشد نیافته و مناسبات

نامه به

رئیس جمهوری فرانسه

از سوی

شورای مرکزی سازمان

در ارتباط با سفر

فرانسوا میتران به ایران

صحنه ۲

تجلیل از

موسویان

در محافل تندرو

حجت الاسلام خاتمی وزیر ارشاد در یک سخنرانی در برابر دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی بار دیگر از موضع وزارت ارشاد در قبال ماجرای مدیر مسئول روزنامه خراسان دفاع کرد. وی در این سخنرانی مجددا تاکید کرد: این نص قانون اساسی است که دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی باید با حضور هیئت منصفه باشد. وی رسیدگی به جرائم مطبوعاتی توسط دادگاه ویژه روحانیت را مورد تأیید قرار داد و گفت: "محاکمه باید در دادگاه صالحه با حضور هیئت منصفه باشد". خاتمی مدعی شد که این نظر مورد تأیید خامنه ای است و بنا بر این دادگاه نمی تواند بگوید منع رهبری است و اگر مطلبی را نگفته بودند، دادگاه موظف است طبق نص صریح قانون اساسی عمل کند. خاتمی در سخنرانی در میزگرد مجمع روحانیون مبارز تهران بر همین موضع تاکید کرد و خاطر نشان ساخت هیچ دادگاهی بدون هیئت منصفه مطبوعات در مورد بقیه در صحنه ۲

در این شماره:

"رطب خورده
منع رطب کی کند"

صحنه ۶

مسائل مورد اختلاف

صحنه ۷

بازار نفت:
تحولات به کدام سو؟

صحنه ۱۰

تجلیل از موسویان در محافل تندرو

بته از صفحه اول

جرایم مطبوعاتی رسمیت ندارد. اما حسینیان قائم مقام دادستان دادگاه ویژه روحانیت طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان موضع وزارت ارشاد را رد کرد و حضور هیئت منصفه‌ای را که اخیراً انتخاب شده در دادگاه ویژه روحانیت غیر ممکن شمرده گفت: قوانین دادسرای ویژه است. وی از قول خامنه‌ای افزود: اگر ترکیب هیات منصفه از روحانیون مورد تأیید دادستان و رئیس دادگاه باشد حضور آنان مغیباست!

از سوی دیگر تجلیل از ابوالفضل موسویان در میان محافل جناح مخالف ادامه دارد. در مراسمی که به مناسبت تودیع وی در مشهد برگزار شد صبایی امام جمعه وقت این شهر و جمعی از نمایندگان مجلس حضور داشتند و یکی از این نمایندگان ضمن اعتراض به محکومیت موسویان، حکم دادگاه ویژه را در جهت حذف دیدگاه مخالف اعلام کرد و گفت: «چگونه است که به محض رویرو شدن با یک دیدگاه متفاوت با دیدگاه خودمان به حذف صاحب دیدگاه مخالف و انتیاض فرهنگی

می‌پردازیم؟» مهدی کروی رئیس مجلس نیز در یک پیام کتبی به این مراسم «از خدمات ایشان (موسویان) در دوران تصدی انتشار روزنامه خراسان» تقدیر کرد. انجمن اسلامی دانشجویان و جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد هم با انتشار اطلاعیه‌ای خطاب به موسویان او را مورد تقدیر قرار دادند. روزنامه خراسان از درج این اطلاعیه خودداری کرد و متن آن در روزنامه سلام به چاپ رسید.

لازم به تذکر است که موسویان به جرم «تشویش اذهان عمومی از طریق بیان و نشر مطالب کذب، درج مطالب غیر علمی و غیره» در پرونده رضا صابری و مهدی هاشمی و... به ۲۵ ضربه شلاق و یکسال حبس محکوم گردید که بعداً محکومیت حبس و شلاق به مدت ۳ سال تعلیق شد و موسویان بصورت تبعید روانه تم گردید. از جمله اتهامات وی دفاع از آیت‌الله منتظری است. وی گفته بود در جریان پرونده هاشمی برخی از اعتراضات بر خلاف واقع به منتظری نسبت داده شده و از این موضوع نباید به سادگی گذشت.

قربانیان موج نژادپرستی در سوئد

مدتی است رفتارهای نژادپرستانه در استکهلم و دیگر شهرهای سوئد تشدید شده است و این امر موجبات نگرانی و اضطراب جامعه پناهندگان ایرانی مقیم سوئد را فراهم آورده است.

افراد مسلح و ناشناخته که به سلاح‌های مادون قرمز مجهز هستند، شب‌ها در مرکز شهر استکهلم، بسوی خارجی‌ان شلیک می‌کنند. هلیرفم تداوم این جنایات، پلیس تاکون ردپایی از این جنایان بدست نیاورده است.

ترورهای نژادپرستانه را محکوم می‌کنیم. هموطنان گرامی - با کمال تأسف اطلاع یافتیم که طی روزهای اخیر در جریان اقدامات نازیستی، هده‌ای از اتباع خارجی مقیم سوئد از جمله دو نفر از ایرانیان مجروح و کشته شده‌اند.

متأسفانه پلیس هنوز موفق نشده است که عامل یا عاملین ترورهای اخیر را بازداشت کند و جنایات علیه پناهمجویان هنوز ادامه دارد. این امر موجی از نگرانی در میان خارجی‌ان مقیم سوئد را برانگیخته است. ما ضمن اظهار تأسف و ابراز همدردی با خانواده قربانیان حوادث اخیر، جنایات علیه خارجی‌ان را قاطعانه محکوم کرده و اقدامات قاطع دولت سوئد علیه ادامه این گونه جنایات را خواهانیم.

سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت سوئد - از همه هموطنان، احزاب، سازمان‌ها و مجامع ایرانی مقیم سوئد تقاضا می‌کند که علیه این ترورها اعتراض کرده و برای توقف آن تمام امکانات خود را بکار بگیرند.

شورای کشوری سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت - سوئد
۱۰ نوامبر ۹۱

نامه به رئیس جمهوری فرانسه

در ارتباط با سفر فرانسوا میتران به ایران نامه زیر از طرف شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای آقای فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه ارسال شد.

ریاست جمهوری فرانسه، هالیجناب فرانسوا میتران!

با تأسف فراوان مطلع شدیم، هلیرفم وجود دلایل فراوان و بدست آمدن مدارک جدید مبنی بر دخالت رژیم جمهوری اسلامی در ترور دکتر شاپور بختیار، جنابعالی همچنان قصد دارید به کشور ایران سفر کنید.

شما مطلع هستید که قتل این سیاستمدار ایرانی، اولین اقدام تروریستی و غیر قانونی رژیم تهران در کشور فرانسه و دیگر کشورهای نیست. رژیم اسلامی در حیات ۱۳ ساله خود، نه تنها بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی کشور ما را در داخل و خارج کشور ترور کرده است بلکه حامی فعال تروریسم بین‌المللی نیز می‌باشد.

رژیم جمهوری اسلامی با ادامه حکومت مذهبی - استبدادی، ایرانیان را از هر گونه حقوق فردی و اجتماعی محروم کرده، کشور ما را در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به بحران همیتی فرو کفشانده است.

هالیجناب!

ملت ایران برای برون رفت از این بحران عظیم در راستای پیشرفت و رفاه، بیش از هر زمان دیگر به تامین حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی - اجتماعی نیاز دارد.

در چنین شرایطی و در حالیکه در جهان امروز رعایت حقوق بشر و آزادی در حیات کشورهای استبداد زده گسترش روزافزون می‌یابد، زمامداران کشور ما، همچنان در داخل و خارج کشور با خشونت تمام، به ترور و سرکوب آزادیخواهان و مدافعان حقوق بشر ادامه می‌دهند.

تأسف بار است که شما درست در چنین شرایطی و هلیرفم انتظار بحق مردم فرانسه دائر بر لشو سفر رئیس جمهوری‌شان به ایران، قصد سفر به کشور ما دارید.

آقای رئیس جمهور!

ملت ایران بر این باور است که بهبود روابط دو کشور فرانسه و ایران امری ضروری و بسودر دو ملت است. طبیعتاً ما نیز خواستار بهبود این روابط هستیم، ولی نمیتوان نادیده گرفت که پذیرش دعوت رژیم خودکامه جمهوری اسلامی از جانب شما در شرایط کنونی، بالزوم احترام دولت شما به منشور حقوق بشر، آزادی و قانون مغایرت دارد. انجام این سفر هملا جز نادیده گرفتن ترورهای که توسط رژیم ایران در خاک کشور شما انجام گرفته است، مخومه اعلام کردن پرونده آتما و تن دادن به تروریسم این رژیم معنای دیگری ندارد.

آقای رئیس جمهور!

ضرورت احترام دولت شما نسبت به حقوق بشر، ردهوت رژیم جمهوری اسلامی را ایجاب می‌کند. ما خواستاریم در تنظیم رابطه با این رژیم، تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی و رعایت حقوق بشر و قانون در ایران، مورد توجه ویژه قرار گیرد.

باتقدیم احترام

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آزادی ۴۲۱ اسیر عراقی

بته از صفحه اول

خسارات جنگی، موجب بالاگرفتن مجدد تشنج سیاسی و جنگ لفظی در روابط ایران و عراق شده است. رژیم عراق دو هفته پیش در شکایت نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل ادعا کرده است که جمهوری اسلامی بابت بر داری از مشکلات سیاسی و اقتصادی عراق قصد باجگیری از آنکشور را دارد. این شکایتنامه زمانی تسلیم دبیرکل سازمان ملل متحد شد که هیاتی از کارشناسان سازمان ملل برای تعیین خسارات جنگی وارده بر ایران در طول ۸ سال جنگ در ایران بصر می‌برند.

در شکایت نامه دولت عراق همچنین گفته شده است که جمهوری اسلامی از آزادی مابقی اسرای عراقی خودداری می‌کند. اما کمال خرازی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل به دبیرکل سازمان ملل اطلاع داده است که جمهوری اسلامی بشرط آزادی اسرای ایرانی آماده است کلیه اسرای عراقی را آزاد نماید.

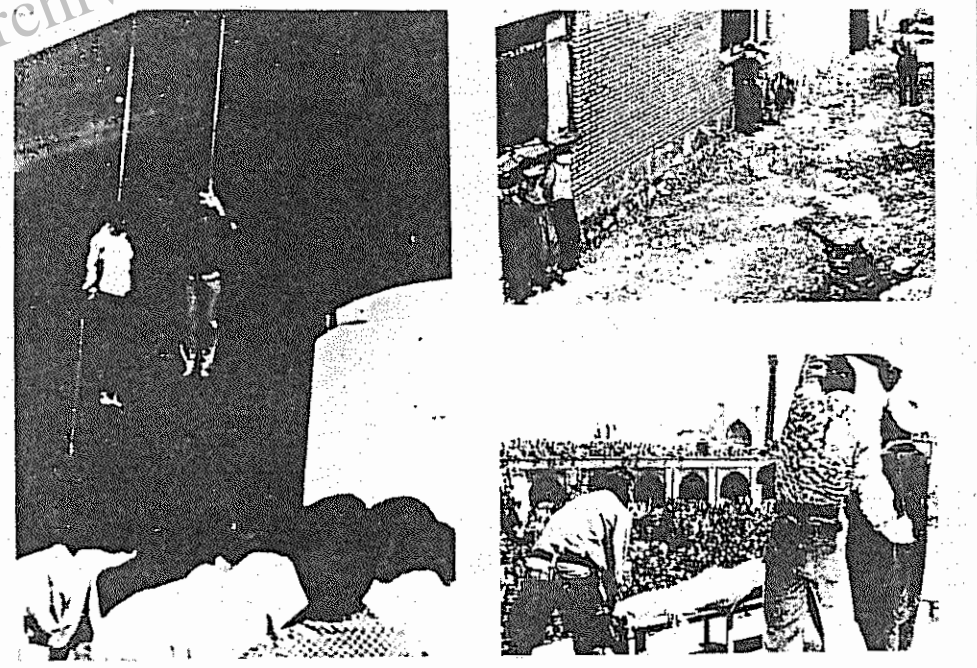
احضار نایب رئیس مجلس

بته از صفحه اول

منتظری موجب از میان رفتن نفوذ سیاسی وی در میان کادرهای پائین و هواداران رژیم نشده است. بهلاوه مقام مذهبی منتظری بر نفوذ او می‌افزاید.

ائتلاف حاکم از این نگران است که لااقل بخشهایی از جناح مخالف که از نداشتن یک رهبر و چهره صاحب‌انوریته رنج می‌برند، در ادامه مخالفت‌های شدید خود با ائتلاف رنسنجانی - خامنه‌ای و رسالت بار دیگر به منتظری روی آورند.

ادسامبر، روز جهانی حقوق بشر را گرامی بداریم!



در اعتراض به پایمال شدن حقوق بشر در ایران

توسط رژیم حاکم، ندای خود را

با شرکت در تظاهرات ۷ دسامبر رساتر سازیم!

ORT..RUDOLF PLATZ KÖLN
SAMSTAG
DATUM . 7.DEZ. 1991 ZEIT - 10³⁰

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته کشوری آلمان

کنفرانس گروه ۷۷

جانب کلیه کشورهای صورت گیرد. رنسنجانی با اشاره به تحولات سالجای اخیر جهان گفت منابع رها شده از مسابقات تسلیحاتی را می‌توان مصروف حل معضلات جهانی بویژه در کشورهای در حال توسعه نمود.

اجلاس وزرای گروه ۷۷ که هتتمین اجلاس این گروه از کشورهاست روز شنبه گذشته با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد. این بیانیه که در ۲۸ ماده تنظیم شده و به امضای شرکت کنندگان رسیده است، راههای گوناگون پیشنه‌های درباره موانع رشد کشورهای در حال توسعه را در برمی‌گیرد. در این بیانیه در باره مسائلی چون تقویت ظرفیت تکنولوژیکی کشورهای در حال رشد، ایجاد مناسبات بازرگانی میان آنها، دسترسی بیشتر و بهتر این کشورها به بازارهای جهانی دیگر و جلب تکنولوژی از سوی این کشورها اظهار نظر شده است.

ماجرای گروگانها

سازمانهای آدم ربای انتظار می‌رود پرونده گروگانها برای همیشه بسته شود. حکومت جمهوری اسلامی و گروگانگیرها که پیش از این ادامه آزادی گروگانهای غربی را به آزادی تعداد بیشتری از اسرای لبنانی و فلسطینی از سوی اسرائیل مشروط می‌کردند، اعلام کرده اند که آزادی گروگانهای غربی ارتباطی با اقدام اسرائیل برای آزادی اسرای فلسطینی و لبنانی ندارد. شیخ عباس موسوی گفته است که ما بین گروگانگیری و زندانیان عرب تفاوت قائل می‌شویم و طی روزها و هفته‌های آینده پرونده گروگانگیری برای همیشه بسته خواهد شد.

با توجه به اظهارات شیخ عباس موسوی که یکی از سرکردگان آدم ربایان لبنانی است می‌توان گفت که ماجرای تروریستی گروگانهای غربی در لبنان در حال پایان یافتن است.

در حاشیه رویدادهای سیاسی

کشمکش بر سر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

اوست خمینی در پاسخ نامه بهرژاد نبوی اظهار کرد "اینجانب فقط با استعفاى آقای راستی و انحلال سازمان مذکور موافقت نمودم و با مطالب دیگری که در استعفانامه بود به هیچ وجه موافقت نکردم. کیهان می‌گوید: "متأسفانه روزنامه رسالت دانسته یا ندانسته به حضرت امام و اندیشه‌های ایشان نسبت های خلافی می‌دهد که خود امام در زمان حیاتشان یکبار آنها را تکذیب کرده است" (کیهان ۸ آبان ۱۳۷۰)

رسالت در پاسخ به این مطالب از دژ کام و کیهان خواسته است که پاسخ دهند: "سازمانی که امام با انحلالش موافق بوده‌اند چرا با همین نام اجازه فعالیت مجدد یافته‌اند؟" (کیهان ۹ آبان ۱۳۷۰) سوال روزنامه رسالت نشان می‌دهد که پیشقدمان احیاء سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از جناح رسالت نیستند و راستی کاشانی و احمد توکلی در آن نقشی ندارند و جناح رسالت از تصالیت مجدد این سازمان ناخرسنداست.

فعالیت مجدد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی موجب کشمکش بین روزنامه رسالت و کیهان شده است. روزنامه رسالت بعد از درج خبر شروع فعالیت این سازمان، توضیحاتی را در مورد درخواست راستی کاشانی پیرامون انحلال این سازمان از خمینی و پاسخ مثبت خمینی باین درخواست راجع کرده است. روزنامه کیهان مطلبی را بقلم "تقی دژ امام" منتشر کرده است که در آن نسبت به تحریف همومی از نقل حوادث گذشته ابراز شده است. در آتموقع راستکاشانی نماینده خمینی در این سازمان بود که بر اثر تشدید گیری بین جناحهای موجود در این جریان از مسئولیت خود استعفا داده خواستار انحلال سازمان مذکور گردیده بود.

اظهارات راستی در آن زمان (آبان ماه ۵۶) در مطبوعات منعکس شد بهرژاد نبوی که در راستی یکی از جناحها قرار داشت نامه‌ای به خمینی نوشت و از او سوال کرد که آیا موافقت خمینی با استعفاى راستی بمعنی تأیید تمام مطالب مندرج در استعفانامه

"نگاه نو" در بین برخی وزیران اسبق

درمان دردهای کشور و خود این مدیریت نیاز به روش‌های علمی داریم و "از آنجا که این طبقه به هر صورت ملی است که می‌تواند از حمایت موثری در میان مردم برخوردار باشد باید هافالانه از روی بصیرت بپذیرد که امر مدیریت اجرائی کشور را به افراد متعهد ملی و هلم اندیش کشور واگذار کند".

رسالت که از این دیدگاهها بشدت هصبانی است می‌گوید: "لااقل بختیار برای "روحانیت" این احترام را قایل بود که بروند بر خورشید بایستادند و از روی بصیرت بپذیرد که امر مدیریت اجرائی کشور را به افراد متعهد ملی و هلم اندیش کشور واگذار کند".

طرح کنار گذاشتن مدیریت فقهی و سپردن امور اجرائی کشور بدست افراد کاردان، ملی و متعصبه معنی تفکیک دین از دستگاه دولتی و به بیان دیگر طرح حکومت غیر مذهبی است. بهمین خاطر طرح این مسئله با عکس العمل سران رژیم مواجه شده است. مجدوی کنی در سخنرانی خود در اولین سمینار بررسی تفکرات سیاسی در آثار نویسندگان ایرانی گفت اینکه در برخی مجلات نوشته می‌شود در دهسال گذشته کشور بصورت فقهی اداره شده است و از این پس باید هلمی اداره شود خطا و اشتباه بزرگی است چون دین از سیاست و هلم جدا نمی‌باشد" (رسالت ۱۵ آبان ۷۰).

در دو سال اخیر مطبوعات نسبتاً زیادی پایه حیات گذاشته‌اند در این مطبوعات با وجود جو ترور و اختناق برخی نیروهای وابسته به نظام جمهوری اسلامی که امروز در ائتلاف حاکم سمیم نیستند، امکان ارائه نظرات خود را پیدا کرده‌اند. از جمله آنجا که در محمد تقی بانگی است. او که در دوره نخست وزیری موسوی سالها وزیر برنامه بود و ده کشور بود، اخیراً نشریه‌ای را بنام "نگاه نو" براه انداخته است.

در سرمقاله این نشریه مطالبی آمده است که چندان خوش آیند حکومتیان نیست. در مورد وضع مطبوعات در این سرمقاله گفته شده است در نیم قرن اخیر مطبوعات سه بار فرصت یافته‌اند تا در فضائی کم و بیش آزاد نفسی بکشند. بار اول در فاصله سالهای ۱۳۳۰ تا مرداد ماه ۱۳۳۲ خصوصاً دوران زمامداری دکتر محمد مصدق، بار دیگر در سالهای نخست پیروزی انقلاب و بار سوم همین یکی دو سال اخیر و اضافه شده است: امروز نوشته‌های روزنامه نگاران مانند آبی است که سالها در پشت سد بلندی جمع شده و ناگاه چون سیل بر بستر رودخانه‌ای خشک رها شده است. البته می‌دانیم که سالهای طولانی خموشی بسیاری از ابزار این کار - انتشار مجله‌ای با موازین و معیارهای سنجیده را معدوم کرده است".

اعتراف آشکار به وجود سالهای اختناق با عنوان "سالهای طولانی خموشی" از زبان وزیر سابق

وزیر کشور

استیضاح میشود؟

بنا به گزارش روزنامه رسالت هدهای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صدد استیضاح وزیر کشور هستند. دلایل استیضاح احتمالی در رابطه با نزدیک شدن انتخابات مجلس چهارم و عزل و نصب‌های اخیر فرمانداران در شهرهای مختلف عنوان شده است. تعدادی از نمایندگان در سخنرانی‌های خود هملکرد وزیر کشور در رابطه با تهیه مقدمات انتخابات را مورد سؤال و انتقاد قرار داده‌اند. سید هاشم بنی‌هاشمی نماینده مشهد در مجلس در نطق روز ۱۵ آبان خود گفت: مشاهده میشود وزارت کشور با طرح نمودن بعضی فرمانداران و مسئولین وزارت کشور زمینه سازی برای کاندیداتوری آنها می‌نماید. وی به وزیر کشور هشدار داد که وظیفه بی‌طرفی در انتخابات توسط وزارت کشور را حفظ کند.

اخیراً نیز رفسنجانی در دیداری با ناطق نوری و فرماندهان نیروهای انتظامی در انتخابات آینده را انتخاباتی پر ماجرا خوانده بود و بر هدم دخالت نیروهای انتظامی در جریان انتخابات تأکید کرده بود.

هنوز معلوم نیست که استیضاح وزیر کشور از سوی نمایندگان مجلس تا چه اندازه جدی باشد، اما محتمل است که با نزدیک شدن "انتخابات پر ماجرا" تحولات و جایجایی های سیاسی پرسرو صدا و مفره چینی‌های تازه‌ای را بمنظور تأثیر گذاری بر جریان انتخابات شاهد باشیم.

ائتلاف حاکم با برخورداری از امکانات رادیو و تلویزیون موج عظیمی از تبلیغات بنفع مراسم صبح به راه انداخت و از چند روز پیش از تظاهرات، کوشید بار دیف کردن فهرست طولانی از نهادهای کوچک و درشت که حمایت خود از مراسم رسمی را اعلام کرده بودند، نیروی بیشتری را به مراسم خود جلب کند. در اخبار رسمی جمهوری اسلامی در مورد برگزاری تظاهرات بعد از ظهر سکوت کاملی دنبال شد. ارگانهای تبلیغی جناح تندرو نیز به تبلیغ پیرامون مراسم خود پرداختند و کوشیدند مراسم جناح مخالف را یک مراسم دولتی و فرمایشی و تظاهرات خود را تظاهراتی مردمی و دارای اهمیت بیشتر معرفی کنند.

روزنامه سلام روز ۱۳ آبان طی تفسیری نوشت: تحلیل گران مسائل سیاسی مراسم بعد از ظهر امروز را که بوسیله دانشجویان و نهاد های مردمی برگزار خواهد شد بر اهمیت تر از مراسم صبح امروز که بخاطر بخشنامه دولت از سوی شورای هماهنگی تبلیغات اجرا خواهد شد، می‌دانند.

پس از برگزاری تظاهراتی جداگانه نیز تبلیغات خصمانه دو طرف علیه یکدیگر ادامه یافت. روزنامه سلام با چاپ عکس نیروهای نظامی در مراسم صبح دولتی و فرمایشی بودن این مراسم انگشت نهاد و روزنامه رسالت تعداد تظاهر کنندگان بعد از ظهر را تنها ۲۰۰ نفر ذکر کرد.

انتشاع در مراسم ۱۳ آبان که تاکنون بی سابقه بود و تبلیغات کینه توزانه دو طرف علیه یکدیگر پیرامون مراسم این روز را باید نشانه جدی دیگری از اختلالات مردم گسترش یافته جناحی حکومت دانست.

در حاشیه مراسم ۱۳ آبان

مراسم ۱۳ آبان بر اثر درگیریهای شدید جناحهای رژیم سرانجام به صورت دو تظاهرات جداگانه در صبح و عصر ۱۳ آبان در مقابل سفارت سابق آمریکا برگزار گردید. هلیرفم تلاش جناح تندرو، نیروهای هوادار ائتلاف حاکم توانستند ابتکار مراسم اصلی را به دست گیرند و برگزاری آن را بر عهده سازمان تبلیغات اسلامی قرار دهند. جناح تندرو توسط "دفتر تحکیم وحدت" برای عصر همان روز دعوت به تظاهرات جداگانه کرد. ۸۰ تن از نمایندگان مجلس در بیانیه‌ای که بنام مجمع "نمایندگان خط امام" منتشر کردند، از تظاهرات بعد از ظهر حمایت بعمل آوردند. آنها در این بیانیه مردم را از شرکت در مراسم صبح بر حذر داشتند و از آنان خواستند که "از پرداختن به هر برنامه مشابهی که موجب تضعیف دانشجویان و نیروهای مردمی در این مراسم" می‌شود خودداری کنند.

نارس هلیرفم پیش بینی ها ساقط نشد و بصورت تهدید بالقوه برای همسایگانش باقی ماند و مخالفت جمهوری اسلامی با موافقتنامه دمشق مناسبات کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس با ایران را در معرض مخاطره قرار داد.

جمهوری اسلامی خواهان سهم متناسب با موقعیت خود در ترتیبات امنیتی منطقه است. اما مصر و سوریه با هلم کردن یک طرح امنیتی عربی قبل از آنکه در ذکر ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس باشند در پی بدست آوردن سهمی از ثروت کشورهای نفت خیز منطقه بودند. کما اینکه بر اساس توافق دمشق قرار بود مصر ۱۵ میلیارد دلار کمک از کشور عرب خلیج فارس دریافت نماید. این همه در حالی بود که شیوخ حاشیه خلیج فارس بنا به تجربه شورای همکاری خلیج فارس که یک پیمان دناهی بود از طرحهای امنیتی چون طرح دمشق دلخوش نبودند. علاوه بر این، این کشورها هلیرفم نگرانهائی که هنوز نسبت به نیات ماجراجویانه و پان اسلامیستی حکومت اسلامی تهران دارند، مایل نیستند خود را رو در روی ایران قرار دهند. همزمان جمهوری اسلامی نیز در تلاش گسترده مناسبات خود را بمیزان زیادی با کشورهای همسایه شوری همکاری خلیج فارس بچبود بخشید و آخرین آنها با عربستان سعودی بود که با قبول دعوت شاه نجد برای دیدار از عربستان سعودی در ماههای آینده از سوی رفسنجانی، وارد مرحله تازه‌ای

اجلاس بدون نتیجه اعضای پیمان ۲+۶

دومین نشست کشورهای مصر و سوریه و شش کشور عرب حوزه خلیج فارس برای گفتگو پیرامون چگونگی ساختار امنیتی خلیج فارس که دو هفته پیش در قاهره تشکیل یافت، بدون حصول به نتیجه‌ای بکار خود پایان داد. اجلاس نخست این کشورها زمستان سال گذشته و اندکی پس از پایان جنگ خلیج فارس در دمشق برگزار شد و طرفین توافقنامه‌ای را امضا کردند که در آن یک پیمان امنیتی میان شش کشور عرب حاشیه خلیج فارس به بینه شده بود. بر اساس این توافق مصر و سوریه هر کدام بالغ بر ۳۰ هزار سرباز برای دفاع از امنیت کشور عرب حوزه خلیج فارس در خاک این کشور مستقر می‌کردند. بخشی از این نیروها هنگام جنگ خلیج فارس در خاک عربستان سعودی استقرار یافته بود. مصر و سوریه بابت نقشی که در این پیمان امنیتی بعهده گرفته بودند، از کمک های هنگفت مالی کشورهای دیگر برخوردار می‌شدند. اما اوضاع منطقه پس از امضای توافقنامه دمشق روال دلخواه مصر و سوریه را طی نکرد. از جمله رژیم صدام حسین با وجود تحمل شکست در جنگ خلیج

کشمکش روزنامه های سلام و رسالت بر سر "تهاجم فرهنگی"

آسیب پذیری و ناتوانی و ارتجاعی بودن آن است روزنامه سلام بر این نکته معترف است: هلمت آسیب پذیری فرهنگ ما در برابر فرهنگ غرب نمی‌داند. متشکریم از الطاف بیکران شما".

طرح کنار گذاشتن مدیریت فقهی و سپردن امور اجرائی کشور بدست افراد کاردان، ملی و متعصبه معنی تفکیک دین از دستگاه دولتی و به بیان دیگر طرح حکومت غیر مذهبی است. بهمین خاطر طرح این مسئله با عکس العمل سران رژیم مواجه شده است. مجدوی کنی در سخنرانی خود در اولین سمینار بررسی تفکرات سیاسی در آثار نویسندگان ایرانی گفت اینکه در برخی مجلات نوشته می‌شود در دهسال گذشته کشور بصورت فقهی اداره شده است و از این پس باید هلمی اداره شود خطا و اشتباه بزرگی است چون دین از سیاست و هلم جدا نمی‌باشد" (رسالت ۱۵ آبان ۷۰).

کشمکش روزنامه های سلام و رسالت بر سر "تهاجم فرهنگی". در روزنامه سلام مقاله‌ای با عنوان تهاجم فرهنگی و شیوه‌های مقابله با آن (دوم آبان) درج شده است که هم خوانی با موج "تهاجم فرهنگی" ندارد. در این مقاله اظهار نظرهای شجاعانه‌ای در مورد فرهنگ اسلامی شده است. در مقاله آمده است: باید اعتراف کرد که فرهنگ ما مانند سایر ملت های مسلمان چند قرن است که شکوفائی و بالندگی و زایش گذشته را از دست داده است و "تولید فرهنگی مکتوب ما تا حد اندک و ناچیز است" در حالیکه "فرهنگ غرب از پشتوانه کلامی و فلسفی خاصی برخوردار است". سنت دمکراسی غرب مبنائی فلسفی دارد این فرهنگ هلیرفم اهوجات و نارسائی‌هایش دائم در حال زایش و تولید است".

جمهوری اسلامی تاکنون بر این نظر بوده است که دارای

از میان روی دادها

نامه ۵۴ تن از سناتورهای آمریکا

صفهای طویل برای تهیه نفت

مصاحبه مطبوعاتی وزیر کشور

۵۴ نفر از سناتورهای آمریکایی در نامه‌ای به جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا که دو هفته پیش انتشار یافت از وی خواستند در چهل و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل از تصویب قطعنامه‌ای حمایت کند که در آن تجاوزات وسیع رژیم جمهوری اسلامی ایران به حقوق بشر محکوم شده و از دولت ایران خواسته شود به تعهد خود در مورد دادن اجازه بازرسی از زندانهای ایران بوسیله صلیب سرخ بین‌المللی عمل کند.

در این نامه، سناتورهای آمریکایی خطاب به بیکر نوشته‌اند: «تای وزیر خارجه ما نگرانی عمیق خود را از ادامه تجاوز به حقوق بشر در ایران ابراز می‌داریم. نگرانی ما با هر گزارش تازه‌ای از تجاوزات سبعانه که دولت رفسنجانی مرتکب آن شده و یا اجازه ارتکاب آنرا می‌دهد افزایش می‌یابد».

در نامه همچنین گفته شده است: «دولت ایران به صورت مداوم در فعالیت‌های تروریستی بین‌المللی دست دارد و این باعث نگرانی ماست» و «تقاضای اخیر برنامه تهیه سلاح‌های اتمی نیز نگرانی‌های جدی‌تری بوجود آورده است».

جمهوری اسلامی همواره با بی‌اعتنایی‌هایش به حقوق ابتدایی و

اساسی بشر، جامعه جهانی را وحشت زده ساخته و خواستهای آنرا رد کرده است. جامعه بین‌المللی تجاوزات دولت ایران به حقوق بشر را در گذشته محکوم کرده و مردم ایران را مطمئن ساخته است که از آن برای دستیابی به آمال صلح‌جویانه و دموکراتیک‌شان حمایت میکند».

سناتورهای آمریکایی نوشته‌اند: «ما از شما می‌خواهیم که به اتفاق متحدان ایالات متحده و دیگر اعضای مسئول جامعه بین‌المللی، به تلاشهای خود بپردازید و به دولت ایران فشار بیاورید که به اصول پذیرفته شده جهانی و معیارهای حقوق بشر احترام بگذارد».

همزمان با ارسال نامه سناتورهای مجلس سنای آمریکا به بیکر وزیر خارجه آن کشور، صدای آمریکا در بخش خبری خود اعلام کرد که مصوبه مربوط به تروریست بودن رژیم جمهوری اسلامی از طرف دولت بوش تمدید شده است. گفته می‌شود اعلام آزادی قریب‌الوقوع تمامی گروه‌های فرتبی از سوی گروه‌های لبنانی و حکومت جمهوری اسلامی، بی‌ارتباط با اقدام سناتورهای آمریکا و تمدید لایحه تروریست بودن رژیم اسلامی از سوی دولت بوش بوده است.

صف‌های طویل برای تهیه نفت مشکل نفت همچنان ادامه دارد. بعثت نبود نفت، اغلب شعب نفت در طول روز بسته است. با توجه به نزدیک شدن زمستان، مسئله تهیه نفت برای مردم به مشکل جدی تبدیل شده است. این مسئله بویژه در مناطق سردسیر نظیر ارومیه و وضع حادی پیدا کرده است. سخنان نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی را در کار شماره ۲۲ نقل کردیم و گفته نماینده دیگر این شهر (علی کامکار) مشکل نفت همچنان به حدت خود باقی است. وی می‌گوید: «مشکل نارسایی سوخت استان کماکان به قوت خود باقی است و هنوز ما نمایندگان در مقابل سؤالات مکرر مردم بی‌جواب هستیم... من نمی‌دانم تا کی باید بیان کرد و با چه بیانی حساسیت موضوع را رساند. آیا سؤالاتی که از وزیر در اوایل سال جاری شد کافی نیست؟ آیا صحبت‌های نمایندگان در نطق‌های مکرر، برای این موضوع هنوز شمارا قانع نکرده که بپذیرید و اتمام در انجام مشکل وجود دارد».

نماینده ارومیه اضافه میکند: «آقایان نمایندگان جهت اطلاع شما عرض می‌کنم الان

مردم برای گرفتن نفت باید شب‌ها صف ببنند و ساعت‌ها منتظر بمانند و تازه بعد از ساعت‌های طولانی معلوم نیست آیا تحویل نفت میسر خواهد شد یا نه؟ موضوع بحثی حاد شده که و اتمام بنده خود را در بیان آن عاجز می‌بینم. یعنی در این هفته گذشته که بنده در حوزه انتخابیه خودم بدم محلی نبودم که در آن سخن از نفت و کمبود آن و ضعف توزیع و صف‌های طولانی و ناراحتی و گلایه مردم از مسئولین نباشد.

خیر خواهد نماینده لاهیجان نیز در این مورد شکوه میکند: «در استان گیلان مشکل کمبود مواد سوختی و مصالح ساختمانی بشدت مردم را تحت فشار قرار داده است. مردم می‌گویند: سالهای گذشته در فصل تابستان شرکت نفت کوپن را زود به زود اعلام می‌کرد تا مردم با ذخیره‌سازی از آن در سرمای پاییز و زمستان استفاده کنند، لکن اکنون ۲ سال است شرکت نفت باین مسئله بی‌توجهی نموده در نتیجه کوپن‌های مردم در لاهیجان باطل میگردد. مردم می‌گویند اگر اتمام مواد سوختی مخصوصا نفت نیست پس چرا در بازار سیاه نفت هر لیتر ۱۲ تا ۱۵ تومان فراوان بدست می‌آید؟»

عبدالله نوری وزیر کشور با روزنامه‌های اطلاعات در مورد حجاب و فعالیت‌های فرهنگی مصاحبه کرده است. او در این مصاحبه در مورد بدحجابی گفته است: «البته ما این موضوع را قبول نداریم که بدحجابی مترادف با مفاسد اجتماعی است. البته بدحجابی می‌تواند به مفاسد اجتماعی کشیده شود، ولی این که هر آنچه که تحت عنوان بدحجابی هست، در جهت گسترش مفاسد اجتماعی تلقی شود، این مورد قبول ما نیست».

... ما بعنوان حکومت وظیفه داریم که با تبیین مسائل فرهنگی و ارشادی آنها را که بدحجاب هستند به سمت حجاب کامل

اسلامی سوق دهیم. من فکر نمی‌کنم در این زمینه فقط کار انتظامی معنی داشته باشد یا درست باشد که ما به مجرد این که یک دختری را ببینیم که رعایت حجاب اسلامی را بطور کامل نکرده، با آن برخورد انتظامی کنیم. البته از اینکه آنها حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند و فعل حرام انجام می‌دهند، رنج می‌بریم».

«در بخش مربوط به عدم رعایت حجاب، اعتقاد ما به صورت جدی این است که باید کار فرهنگی ارشادی و تبلیغی انجام شود و کار باید در جهت تدوین قوانین حکومتی باشد تا افراد بدانند، چگونه باید عمل کنند».

انصراف هند از تحویل کوره اتمی به ایران

هسته‌ای از سوی هند به ایران، دولت بوش سفیر هند را برای ادای توضیحات فرا خواند و معاون وزیر خارجه آمریکا در سفر خود به دهلی دولت هند را برای انصراف از پیشنهاد خود به ایران زیر فشار قرار داد. رفسنجانی در واکنشی نسبت به این اقدامات دولت بوش، فشار امریکا روی چین و هند را محکوم کرد و گفت: «با آنکه ایران قرارداد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای را امضا کرده، امریکا باز گستاخی میکند که ایران نباید به تکنولوژی هسته‌ای مجهز شود».

گفته می‌شود با آنکه راکتور پیشنهادی هند تحقیقاتی بوده، اما قادر به تولید پلوتونیوم که می‌تواند در تولید سلاح هسته‌ای بکار رود، نیز بوده است.

اواخر هفته گذشته دولت هند اعلام کرد از تحویل کوره اتمی به جمهوری اسلامی ایران منصرف شده است. خبر مربوط به تحویل یک راکتور هسته‌ای از سوی هند به ایران بدینال سفر وزیر خارجه آن کشور به ایران انتشار یافت.

دولت هند ضمن تأیید خبر مربوط به تحویل راکتور هسته‌ای به ایران گفته بود این راکتور کاربرد تحقیقاتی دارد و رئیس انرژی اتمی آن کشور در گفتگویی با خبرنگاران از حق کشورش برای فروش کوره اتمی به ایران دفاع کرده و گفته بود کوره‌ای که ما به ایران پیشنهاد کرده‌ایم، شبیه آنرا آرژانتین در الجزایر برقرار کرده و اخیراً به دولت ترکیه هم پیشنهاد شده است.

با انتشار خبر فروش راکتور

وضع وخیم کشاورزی

اخبار مندرج در مطبوعات کشور نشان میدهد که وضع کشاورزی کشور بویژه در یکسری مناطق وخیم است و کشاورزان بشدت از بی‌توجهی دولت نسبت به مسئله ناراحت هستند. این ناراضی‌ها را در سخنان برخی نمایندگان مجلس هم میتوان بوضوح مشاهده کرد. علی کامکار نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «در حال حاضر و اتمام کشاورزان به حدی از بی‌توجهی دولت ناراضی هستند که صریحاً می‌گویند دولت ما را فراموش کرده است. آنها می‌گویند روستاها و روستاها را از سکنه خالی کرده و نیروی جوان ما به شهرها مهاجرت کرده‌اند. هزینه برداشت محصولات چنان بالاست که مقرون بصرفه نیست. هزینه هلوفاه آنقدر زیاد است که دام‌هایمان را به مزایع برداشت نشده هدایت می‌کنیم. اداره آبیاری بدون آنکه کاری برای ما انجام دهد و بدون اینکه نهرهایمان را لایروبی کند و بدون اینکه بفرآب زراعی ما باشد پول زیادی از ما بعنوان آب بها بگیرد، تازه تحویل سوخت نیز منوط به پرداخت آب بها شده است. تراکتورهایمان بطلت نداشتن لاستیک بلااستفاده مانده و محصولاتمان هلیز غم‌زحمت فراوان به فروش نمی‌رسد. آخر شما تضوات کنید آیا سبب را اصلاً کیلویی دوه، سه تومان از درخت می‌چینند که کارخانه

وضع وخیم کشاورزی

افت تحصیلی

وزارت آموزش و پرورش ۴۹ میلیارد تومان و مجموع خسارت اقتصادی ناشی از شکست تحصیلی بالغ بر ۵۶ میلیارد ریال بوده است. در سال ۶۷ از مجموع ۱۲ میلیون و ۵۶۰ هزار دانش آموز حدود ۳/۵ میلیون نفر مردود و یا ترک تحصیل نموده‌اند. از این تعداد بیش از یک میلیون نفر برای همیشه ترک تحصیل کرده‌اند. بودجه جاری آموزش و پرورش ۶۰ میلیارد تومان و مجموع خسارت اقتصادی ناشی از شکست تحصیلی ۷۷ میلیارد ریال محاسبه گردیده است.

زمین لرزه‌های پیاپی در ایران

سطح آموزش‌دانش آموزان پیوسته در حال تنزل است. این مسئله را میتوان در زمینه‌های مختلف از جمله در میزان مردودی و ترک تحصیل کنندگان مشاهده کرد. اخیراً پرویز صیقلی نماینده مردم لنگرود و بناسبت ۱۳ آبان آماري قم انگیز در این زمینه ارائه داده است. بگفته وی در سال ۶۵ از مجموع ده ملیون و ۸۱۰ هزار دانش آموز حدود ۳ ملیون نفر مردود شده یا ترک تحصیل کرده‌اند که از این سه ملیون حدود ۸۵۰ هزار نفر با درس و کلاس خداحافظی کرده‌اند. در آن سال بودجه جاری

طی هفته‌های اخیر برای چندمین بار زمین لرزه مناطق جنوبی و مرکزی کشور را لرزاند است. آخرین مورد آن در روز جمعه گذشته بود که شهرهای باختران و سنتر را تکان داد. این زمین لرزه ۴/۲ ریشتر شدت داشت و گفته می‌شود خساراتی در پی نداشته است. اما زمین لرزه‌هایی که پیش از این بطور پی‌درپی در منطقه بمبان رخ داد، موجب ویرانی صدها خانه مسکونی در شهر بمبجان و روستاهای اطراف آن شد. شدت این زلزله ۵ درجه ریشتر بود و تکانهای آن در احوال، آفتابجاری، ماهشهر و رامهرمز نیز احساس شد. بنا به نوشته روزنامه‌های

ورود اتومبیل‌های سواری ۴ و ۶ سیلندر آزاد شد

بازار آزاد و وارد کردن اتومبیل شروع گردیده است. این امر بدون تردید موجب بالا رفتن ارزش ریالی ارزهای خارجی خواهد شد. گر چه آزاد کردن ورود اتومبیل‌های سواری زمینه را برای کاهش قیمت ماشین‌های سواری ساخت کشور و دیگر اتومبیل‌های ۴ و ۶ سیلندر فراهم خواهد آورد ولی ارز کلانی از کشور برای خرید آنها خارج خواهد شد.

کرلائی معاون صنعتی و بهره برداری وزارت صنایع سنگین اعلام کرد که ورود اتومبیل‌های سبک ۴ و ۶ سیلندر مدل روز طبق ضوابط شورای اقتصاد و مقدمات مجلس شورای اسلامی با استفاده از ارزشناور آزاد شده است. وی گفت ورود قطعات اتومبیل‌های سبک برای مونتاژ نیز آزاد شده است.

با آزاد شدن ورود اتومبیل‌های سواری، هجوم برای خرید ارز از

ادامه توقیف کشتی ایران توسط دولت ترکیه

اعتراضات و حتی تهدیدات جمهوری اسلامی برای رفع سفر هلیرضا معیری مشاور رفسنجانی به ترکیه نیز که بدین منظور صورت گرفته بود، در آزادی کشتی بی‌نتیجه بوده است. کشتی توقیف شده قبرسی است و برای حمل سلاح از یلفارستان در اجاره جمهوری اسلامی بوده است.

حکومت جمهوری اسلامی هفته گذشته در اقدامی اعتراضی نسبت به ادامه توقیف کشتی حامل سلاح به جمهوری اسلامی از طرف دولت ترکیه، سفیر خود در آنکارا را به تهران فراخواند. این کشتی که برای جمهوری اسلامی اسلحه حمل می‌کرد، بدلیل نامشخص بودن نوع محموله در بارنامه آن، توسط ماموران گارد ساحلی ترکیه در تنگه بسفر توقیف شد.

ارزندگی در دناک مردم

دارو، در دبی درمان

دارو در معیار عمومی تعقیب و مجازات میشوند.

۷۵/۲/۲۲ - معاون دارویی وزیر بهداشت: کمبود دارو و شیر خشک امسال برطرف میشود.

۷۵/۳/۶ - وزیر بهداشت: طرح توزیع ۱۰۰ تلم داروی ویژه در داروخانه‌های شبانه‌روزی به اجراء می‌آید.

صغی که در مقابل داروخانه سیزده‌آبان ایجاد شده است به بیرون داروخانه نیز کشیده شده است. این تازه صغی است که مردم نسخه‌های خود را به مسئولان داروخانه‌ها نشان می‌دهند. یک نفر از بین صف می‌گوید: "ما انتظار بهبود وضع دارو را نداریم. فقط یک سفارشی به مسئولان داروخانه کنید که ۲ ساعت برای نشان دادن یک نسخه این طور توصیف نایستیم." یک نفر استیضاح را بالا می‌زند و آثار عمل جراحی روی دستش را نشان میدهد و می‌گوید: "باینکه تازه از بیمارستان مرخص شده‌ام، اما ۲ روز است که برای پیدا کردن دارو همه شهر را زیر پا گذاشته‌ام." نفر سوم می‌گوید: "ای بابا شما هم دلتون خوشه ۱۲ ساله که دارید می‌نویسید مسئولان وزارت بهداشت هم ۱۲ ساله که وعده می‌دهند، ما هم ۱۲ ساله توصیف می‌ایستیم. آخر هم دارو را از بازار آزاد می‌خریم" (کیهان ۲۵ مهر ۱۳۷۰)

"پرونده دارو پرواز وعده‌های دور و نزدیکی است که بیشتر به وعده‌های سرخرمن شباهت دارد و هر بار که زمان آن هافرا میرسد دست نیافتنی‌تر می‌شوند. علیرغم اینکه بارها وعده برطرف شدن کمبود داروهای حیاتی و حساس داده شده است، اما هنوز به هر داروخانه که سر بکشی باواژه "نداریم" مواجه میشوی. هنوز مردم برای یافتن حتی معمولی‌ترین دارو نیز باید به چندین داروخانه سرکشی کرده و سرانجام دست خالی برگردند و این در حالی است که از ساده‌ترین تا حیاتی‌ترین آنها به وفور در بازار آزاد یافت میشود. منتها با پرداخت ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت اصلی، آخرین وعده حل معضل دارو، اجرای طرح توزیع داروهای تخصصی در ۱۰ داروخانه شبانه‌روزی بوده است که این طرح نیز مشکل کمبود دارو را مرتفع نکرده است. وعده‌های حل مساله دارو همانگونه که اشاره شد بی‌حد و حصر است. تنها چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

۶۸/۲/۱۰ - معاون وزیر بهداشت: کمبود دارو تا ۶ ماه آینده برطرف می‌شود.

۶۸/۶/۱۸ - وزیر بهداشت: مشکل داروهای کمیاب را در کمترین زمان حل می‌کنیم.

۶۹/۱/۲۰ - فروشندگان

گرانی در هر صه فرهنگی

گرانی فزاینده کالاها و خدمات تأثیرات ناگوار خود را بر هر صه فرهنگی ما گذاشته است. ماهنامه آدینه در آخرین شماره‌اش گزارشی جالب و نسبتاً مفصلی را تهیه کرده است. در زیر قسمتی از مطلب "بازار ۶۰ تومان" نوشته همایون نروزان را نقل میکنیم: "مدیریک مجله علمی می‌گوید: نقطه

در سال جاری بیش از ۳۱ درصد به هزینه مجله افزوده شده است و من نمی‌دانم چه باید کرد. اگر بخواهم افزایش قیمت را به خریداران و خوانندگان خود منتقل کنم باید هر شماره یا هر دو شماره به قیمت مجله ماهانه خود بیافزایم و این افزودن بر آن که تحمیل بر خوانندگان است مسلماً سبب کاهش تیراژ خواهد شد. با این تصویر سوالی که پیش می‌آید این است که آیا در جیب یک دانشجو، یک دانش‌آموز، یک کارمند و یک حقوق‌بگیر ثابت که اکثر خوانندگان ما را تشکیل می‌دهند، پس از خریدن گوشت و مرغ و تخم مرغ و جز این‌ها و پرداخت وجه آب، برق، تلفن، گاز و درمان و غیر آن، پول وجود خواهد داشت که یک شماره مجله گران شده ما را بخرد؟"

"در آخرین روزهای مرداد ماه قیمت کتاب‌های درسی در سطح راهنمایی و دبیرستان ۴۰ تا ۵۰ درصد نسبت به سال تحصیلی گذشته گران شده است. شهریه تحصیلی در سال تحصیلی جاری در مدارس "نمونه مردمی" حداقل ۷ هزار تومان است. مدارس غیرانتفاعی (خصوصی) بسته به منطقه و محل مدرسه و کرایه ایاب و ذهاب از ۲۵ هزار تومان شروع میشود تا بیش از ۱۰۰ هزار تومان در مدارس شمال شهری می‌رسد. "کتابچه ۱۰۰ برگ جلد پلاستیک در بازار آزاد ۴۰۰ ریال، ۴۰۰ برگ متوسط ۱۵۰ ریال، خودکار بیک ۸۰ ریال، پاک کن از ۱۲۵ ریال تا ۲۵۰ ریال، مداد مشکی ۱۵۰ ریال، مداد قرمز ۱۸۰ ریال و..."

"سلیمانی" صاحب یک نوشت‌افزار فروشی می‌گوید: "متوسط خرید نوشت‌افزار برای آغاز سال تحصیلی در سطح راهنمایی و دبیرستان رقمی در حدود یک هزار تومان است." شهریه دانشگاه آزاد طی چند سال اخیر چند بار افزایش یافته است تا جائیکه شهریه یک دانشجو پزشکی به ۵۰ هزار تومان و دندانپزشکی به ۷۰ هزار تومان رسیده است.

کارشناسان می‌گویند: چنانچه شورای اقتصاد استفاده از ارز ترجیحی ۶۰ تومان را در امور فرهنگی مورد تصویب قرار دهد، کلیه هزینه‌های اشاره شده بالا به چند برابر افزایش می‌یابد، از جمله قیمت بلیط سینما تا ۱۵۰۰ ریال بالا خواهد رفت. یک روزنامه ۲۴۰ ریال تمام خواهد شد و کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای باید حدود ۷۰۰۰ ریال به فروش برسد و این گرانی بدون تردید روند حرکت فرهنگی کشور را به توقف خواهد کشاند."

یادداشت اقتصادی اجتماعی

افزایش سرسام آور قیمت زمین و مسکن

از هلت‌های آن حرکت سرمایه‌های سرگردان بطرف مسکن و زمین و رواج شدید بورس بازی در خرید و فروش خانه و بساز و بفروشی است. بعد از تعطیل شرکت‌های مخاربه در سال گذشته بخشی از سرمایه‌های سرگردان به سوی مسکن و زمین سرزیر شدند. این امر در افزایش سرسام آور قیمت مسکن تأثیر زیادی داشت. این نکته را در اظهار نظر مردم هم میتوان مشاهده کرد: "اگر میخواهید راجع به نرخ مسکن در تهران چیزی بنویسید بیایید قیمت زمین را از سالهای اول انقلاب تا امروز مشروحا استخراج کنید و به ببینید که در کجای دنیا این همه تفاوت نظر چند سال ممکن است اتفاق بیفتد. هلت این افزایش‌ها چیست و وضع در سالهای بعد چگونه خواهد شد؟ اگر این قیمت‌ها را استخراج کنید، معلوم میشود که بساز و بفروشا چقدر طی این مدت عایدشان شده است." (کیهان ۷ مردادماه ۱۳۷۰)

هلت دیگر گرانی مسکن را باید در عوارض سرسام آور شهرداری و افزایش قیمت مصالح دید. زمانی که مردم مبالغ فوق‌العاده کلان به عنوان عوارض شهرداری پرداخت می‌کنند برای گرفتن آهن و دیگر مصالح ساختمان حداقل دوسال در نوبت مانده و سرانجام یک پاکت سیمان را ۴ تا ۵ برابر قیمت دولتی از بازار آزاد تهیه می‌کنند، طبعاً در چنین شرایطی قیمت مسکن افزایش خواهد یافت.

افزایش قیمت کالاها و خدمات نیز تأثیرات خود را بر بالا رفتن اجاره خانه‌ها میگذارد. به حرف یکی از صاحب‌خانه‌ها در مقابل اعتراض مستاجر برای بالا بردن میزان اجاره توجه کنید: "به‌بین آقا! من کاری به این حرف‌ها ندارم. همه چی رفته بالا گواشتی که تا دو ماه پیش ۲۰۰ تومان بوده الان ۴۰۰ تومان شده است. دست رو هر چی بگذاری هیچ کم زیاد نشده باشد، ۵۰ درصد اضافه شده است."

وضع اسفبار مسکن و افزایش روزافزون اجاره خانه‌ها بیشترین فشار را بر اقشار کم درآمد جامعه وارد می‌آورد. بگفته هلیرضا محجوب (دبیر کل خانه کارگر) بیش از ۴۹ درصد از جامعه ۲/۵ میلیون نفری کارگری در سراسر کشور فاقد مسکن هستند. بگفته‌ام امروز بیشترین بخش دستمزد کارگران به مسکن اختصاص دارد. کارگران و کارمندان با وعده‌هایی که سران رژیم در سالهای اول انقلاب در مورد حمایت از تعاونی‌ها دادند، امیدوار بودند از طریق همضویت در تعاونی مسکن بالاخره صاحب خانه شوند و از مشکلات بی‌شمار اجاره نشینی رهایی یابند. ولی با عدم حمایت جدی تعاونی‌ها امیدها به یاس منجر شد.

اکنون مسئله مسکن بیک معضل جدی و بیک مسئله لاینحل مردم بویژه اقشار متوسط و پائین جامعه تبدیل شده است. این مسئله با افزایش شتابان جمعیت، بالا رفتن آمار ازدواج و ادامه مهاجرت روستائیان به شهر حدت بیشتری پیدا میکند.

شهرهای دور افتاده قرار دارد، اما نرخ مسکن در این شهر هم بسیار بالا است. اجاره بها در ۲۴ متری اشرافی اصغمانی برای خانه دو اتاق خوابه آپارتمانی بین ۱۳ تا ۱۸ هزار تومان و یک اتاق خوابه بین ۶ تا ۸ هزار تومان است. یک خانه کلنگی در خیابان سعدی با ۱۱۰ متر زیربنا ۴ میلیون تومان و همین خانه بصورت نوساز تا ۷ میلیون تومان خرید و فروش میشود.

بهمین خاطر مسئله خانه و سرپناه برای انبوهی از مردم کشورمان که فاقد مسکن شخصی هستند، بصورت یک کابوس در آمده است. مردم می‌گویند یک حقوق‌بگیر با ماهی هفت، هشت هزار تومان دریافتی چگونه میتواند اجاره‌ای بیش از میزان حقوقش را بردارد و تازه بغرض محال که قادر به پرداخت آن باشد، مبالغ کلانی را که تحت عنوان ودیعه خواسته میشود از کجا باید تهیه کند؟ اجاره بهای یکماهه یک آپارتمان کوچک در تهران بیش از حقوق ماهانه یک کارمند عالی‌رتبه است. کتیرائی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: "شما وضع مستاجرین را در نظر بگیرید و ببینید که به آنها چه می‌گذرد. در حال حاضر اگر زن و شوهری هر دو کارمند باشند منزل استیجاری خود را بر دلیل تخلیه کنند اگر دو حقوق‌خود را روی هم بگذارند باز هم نمیتوانند از عهده اجاره مسکن خود برآیند." این وضع گاه مسائل دردناکی را برای مردم بوجود می‌آورد. همان نماینده می‌گوید: "من افرادی را می‌شناسم که "کلیه" خود را فروخته تا پول پیش پرداخت اجاره یک خانه را تامین کنند."

در شهر رشت خانهای که در سال گذشته با ودیعه ۱۰۰ هزار تومان و اجاره بها ۵ هزار تومان توسط بنگاههای معاملاتی اجاره داده میشد، امسال بدو برابر افزایش یافته است. حتی در اطراف شهر رشت که خانه معمولی در سال قبل با ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان معامله میشد، در حال حاضر قیمت همان خانه از ۱/۵ میلیون تومان فراتر رفته است. سال قبل در مرکز شهر متر مربع خانه بین ۱۰ الی ۱۵ هزار تومان خرید و فروش میشد، امسال این رقم به ۲۵ الی ۳۰ هزار تومان رسیده است. افزایش قیمت خانه و اجاره بهادر منطقه گلسار به مراتب بیشتر از سایر نقاط شهر است. در شیراز یک خانه سه اتاق خوابه که قبل از اشغال کویت ماهیانه حداکثر تا پانزده هزار تومان اجاره میرفت با آمدن کویتی‌ها و ساکنان مناطق شیخ‌نشین، اجاره آن تا سی هزار تومان افزایش پیدا کرد. قیمت خانه نسبت بدوسال قبل تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. یک خانه دویست متری در "معالی آباد" ۵ تا ۱۰ میلیون تومان، در خیابان "نادر" ۳ تا ۷ میلیون تومان، در "تصردشت" ۷ تا ۱۲ میلیون تومان و در "خیابان ابریشمی" ۸ تا ۱۲ میلیون عرضه میگردد. در شیراز نظرباینکه شهرداری بابت خودیاری پول‌های کلانی از صاحبان زمین و سازندگان بنا دریافت میکند، کمتر کسی بنگر ساختن واحدهای مستغلاتی است. این اقدام نیز به افزایش اجاره بها منجر شده است. ایلام با وجود اینکه در رده

بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی قیمت مسکن و زمین در تهران ظرف چند ماه اول امسال بین ۳۰ تا ۶۶ درصد افزایش یافته است. این افزایش تنها مختص شهر تهران نیست. قیمت مسکن در سراسر کشور هر ماه و هر هفته در حال افزایش است.

با افزایش قیمت زمین و مسکن، اجاره خانه‌ها هم به تبع آن افزایش می‌یابند. قیمت خانه‌های دوسه میلیونی چند سال پیش، امروز به ۷-۸ میلیون رسیده است و بالتجربه اجاره آنها نیز چند برابر بالا رفته است. در حال حاضر میزان رهن خانه‌ها تقریباً معادل قیمت خرید آنها در سالهای گذشته شده است.

بنابر همین گزارش در تیرماه سال ۱۳۶۹ هر متر مربع آپارتمان در نقاط مرکزی شهر تهران بین ۱۸ تا ۱۰۰ هزار تومان قیمت داشت. در تیرماه امسال قیمت هر متر مربع آپارتمان بین ۳۰ تا ۱۸۰ هزار تومان رسیده است که بیانگر افزایش معادل ۱۳۰ تا ۶۶ درصد است در تیرماه سال ۶۹ اجاره بها ماهانه خانه‌های آپارتمانی بین ۷ هزار تومان تا ۲۸ هزار تومان بود. امسال بین ۱۰ تا ۳۵ هزار تومان در نوسان است که افزایش بین ۲۵ تا ۴۵ درصد را نشان میدهد.

وضع مسکن در شهرهای دیگر نیز کمابیش همانند تهران است. به وضعیت چند شهرستان اشاره می‌کنیم:

در شهر رشت خانهای که در سال گذشته با ودیعه ۱۰۰ هزار تومان و اجاره بها ۵ هزار تومان توسط بنگاههای معاملاتی اجاره داده میشد، امسال بدو برابر افزایش یافته است. حتی در اطراف شهر رشت که خانه معمولی در سال قبل با ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان معامله میشد، در حال حاضر قیمت همان خانه از ۱/۵ میلیون تومان فراتر رفته است. سال قبل در مرکز شهر متر مربع خانه بین ۱۰ الی ۱۵ هزار تومان خرید و فروش میشد، امسال این رقم به ۲۵ الی ۳۰ هزار تومان رسیده است. افزایش قیمت خانه و اجاره بهادر منطقه گلسار به مراتب بیشتر از سایر نقاط شهر است. در شیراز یک خانه سه اتاق خوابه که قبل از اشغال کویت ماهیانه حداکثر تا پانزده هزار تومان اجاره میرفت با آمدن کویتی‌ها و ساکنان مناطق شیخ‌نشین، اجاره آن تا سی هزار تومان افزایش پیدا کرد. قیمت خانه نسبت بدوسال قبل تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. یک خانه دویست متری در "معالی آباد" ۵ تا ۱۰ میلیون تومان، در خیابان "نادر" ۳ تا ۷ میلیون تومان، در "تصردشت" ۷ تا ۱۲ میلیون تومان و در "خیابان ابریشمی" ۸ تا ۱۲ میلیون عرضه میگردد. در شیراز نظرباینکه شهرداری بابت خودیاری پول‌های کلانی از صاحبان زمین و سازندگان بنا دریافت میکند، کمتر کسی بنگر ساختن واحدهای مستغلاتی است. این اقدام نیز به افزایش اجاره بها منجر شده است. ایلام با وجود اینکه در رده

گزارش از یک محله قدیمی تهران

پرداخت و گفت: در این دهوا همسر جوان صاحب خانه مذکور از اینکه شوهرش به کرات او را در اختیار مستاجران افغانیست قرارداد داده است، شکایت داشت. یکی از ماموران تجسس شهربانی به خبرنگار اظهار داشت: تا به حال بسیاری از افغانه در حین ارتکاب اعمال منکراتی و قمار و... دستگیر شده‌اند و دولتی با پرداخت یک جریمه پانصد تومانی آزاد شده‌اند.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی می‌گوید: نزدیک گود ویران شده حاجی ماشالله که تا چند سال پیش منزل و ماوای انبوهی از مردم محروم و زافه‌نشین بود و اردیکی از منازل میثومیم. در اتاق، دود ناشی از استعمال مواد مخدر و حضور چند نفر که چهره ظاهری آنها حکایت از اعتیادشان به مواد مخدر دارد. توجه ما را جلب می‌کند. یک روسری گلدار زنانه در گوشه اتاق پهن است که آن را برمی‌داریم زیر آن چند زوروق، چوب کبریت سوخته و لوله باریک کافذی که ابزار مصرف مواد مخدر را تشکیل می‌دهند به چشم می‌خوریم. صاحب این خانه پیرمردی است که درورامین اقامت دارد و ماهی یکبار به اینجا سر می‌زند. زن و دختری که سابقه خوبی ندارند و به ارتباط نامشروع با افغانه شهرت دارند، در این خانه تنها زندگی می‌کنند. هفت اتاق آنها در اجاره ده افغانی مجرد است.

خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی به همراه یکی از مامورین تجسس کلانتری ۱۶ از یکی از محلات قدیمی تهران بنام مولوی بازدید و گزارشی در خصوص گسترش فساد و اعتیاد در این محل تهیه نمودند که در زیر گوشه‌هایی از این گزارش را به نقل از خبرنگار فرهنگی - اجتماعی (شماره ۷۳) می‌خوانید:

مدتی است که محله بزرگی در جنوب شرقی چهارراه مولوی که از یکصد متری کلانتری ۱۶ تا گود حاجی ماشالله امتداد دارد، تعداد زیادی از افغانه مجرد و متأهل را در خود جای داده است. تردد و حضور گسترده این افغانه به گونه‌ای است که شهروندان تهران نام "چهارراه کابل" را بر آن نهاده‌اند. در اکثر منازل این محلات دو تا هفت اتاق در اجاره افتاعیجاست که هر اتاق در اختیار دو افغانی قرار دارد. اما شب و روز حدود ۱۰ افغانی دیگر به عنوان دوست و میهمان در این اتاق‌ها بسر می‌برند. رئیس کلانتری ۱۶ در مورد وضعیت این محل می‌گوید: نهایت شرمساری و سرافکنندگی است که در این محل برخی از موطنان مازنان و دخترانشان را در اختیار مستاجران افغانی خود قرار می‌دهند و از این طریق کسب درآمد میکنند. وی برای اثبات گفته‌هایش به طرح اختلاف یکی از موجرین افغانه بازنش - که اخیراً در کلانتری مطرح گردید و هر نهایت منجر به متارکه آنان شد -

رطب خورده منع رطب کی کند

بهر روز خلیق

مجلس شورای اسلامی بعد از گذشت دو ماه و نیم از سفر تاریخی خاتمه‌ای در مورد تجمل گرایی، جزئیات طرح نحوه اعمال نظارت بر کاهش هزینه‌های غیر ضروری و جلوگیری از تجمل گرایی را تصویب کرد. خاتمه‌ای در اواخر مرداد ماه در مورد کشمکش بین جناح‌ها، "تجمل گرایی" و "تجمل گرایی" مسئولین وین کشور نطق پر سروصدائی کرد که در مطبوعات کشور بطور وسیع بازتاب یافت. مقاله نویسان روزنامه‌های وابسته بدولت متغایر هتنگتی در مذمت تجمل گرایی قلمفرسائی کردند و پندهای زیادی به مسئولین دادند. ولی کارگزاران حکومت کوششان بدعکار اندر زهای جماعت قلم بدست نبود. بنوشته روزنامه‌ها با این موج برخاسته آب از آب تکان نخورد و روسا هم چنان از مزایای ریاستی بهره خود را گرفتند.

بخشی از نمایندگان مجلس شورا بعد از سخنان خاتمه‌ای، طرحی را در این زمینه تدوین کردند که همانموقع کلیات آن در مجلس به تصویب رسید. در طرح مصوبه مجلس پیش‌بینی شده است که ظاهراً جلوی هزینه‌های غیر ضروری گرفته شده و نمایندگان مجلس، استانداران و معاونان آنها، مسئولان توه قضائیه و کلیه صاحب منصبان مهم کشور موظفند لیست دارائی خود را قبل از پذیرش مسئولیت و بعد از آن تهیه و در اختیار رئیس توه قضائیه قرار دهند تا از طریق دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار گیرد. مضمون این ماده که در حقیقت اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی است و بعنوان "از کجا آورده‌ای؟" معروف شده است، سالهای قبل نیز در مجلس شورا مطرح گردید و طرحی نیز در اجرای این اصل به تصویب رسید ولی آن طرح روی کاغذ ماند، با توجه به تجربه مورد قبلی و وجود موانع زیاد در این زمینه نمیتوان با اجرای آن خوش بین بود. علاوه شوری نگهبان ماده ۵ و تبصره‌های آنرا بلحاظ تسری دادن رسیدگی به دارائی سایر مقامات خلاف اصل ۱۴۲ قانون اساسی تشخیص داده است.

در طی حکومت جمهوری اسلامی تشر نوپای بورژوازی بوروکراتیک در بطن دستگاه اداری شکل گرفته و پیوسته تریه و فربه تر شده است. این بورژوازی که با دستگاه روحانیت عجین شده است بسادگی تن به اجرای طرحی نخواهد داد که با منافع آن اصطکاک هائی دارد. علاوه قول بوروکراسی زائیده انواع ناهنجاریها و فسادهاست. مسئله ریخت و پاش و تجمل گرایی تنگنایی از عوارض آن است که در سالهای اخیر بطور چشمگیری افزایش یافته است. بگونه‌ای که در مطبوعات کشور انعکاس یافته و خاتمه‌ای آنرا بعنوان تعدیدی برای موجودیت نظام جمهوری اسلامی بحساب آورده است.

تجمل گرایی در تمام وجود زندگی بخش مهمی از کارگزاران کشور رسوخ کرده است. استفاده

از اتومبیل های گران قیمت دولتی، مسافرت های بی‌مورد خارجی و دادن ارز دولتی و فوق العاده، مأموریت برای کسانی که برای کار شخصی بخارج می‌روند و دکوراسیونهای مجلل دفاتر کار روسا، سکونت در خانه‌های لوکس و گران قیمت مصادره‌ای، استفاده از امکانات، دولتی در کارهای شخصی، ساختمان سازیهای هریض و طویل در کنار دریا برای تعطیلات تابستانی و برای سکونت، استفاده بی‌مورد از هواپیماهای اختصاصی، با وجود خطوط هوایی عمومی، بخشیدن امکانات و امتیازات دولتی به بعضی از جمعیت‌ها، راه انداختن میهمانی‌های مجلل و پهن کردن سفره‌های پرهزینه بخارج سرت برای کسب وجهه از جمله آنهاست.

سالانه دست کم دو هزار نفر از کارگزاران حکومت با پاسپورت سیاسی و ۱۵ هزار نفر دیگر با گذرنامه خدمت بعنوان مأموریت به کشورهای مختلف جهان مسافرت می‌کنند. جواز سفرها، اعضای هیئت‌های اعزامی هر سال افزایش می‌یابد. تعداد زیادی از این مسافرت‌ها زیاد و ساختگی است و ضرورتی برای راه انداختن هیئت‌ها با عده زیادی وجود ندارد. کارگزاران حکومت با سو استفاده از موقعیت خود چنین مسافرت هائی را برای خود می‌تراشند. عده‌ای از آنها اعضا خانواده‌های خود را بخارج دولت در مسافرت های خارج از کشور بمرحله خود می‌برند و موقع برگشت با سو استفاده از مصونیت سیاسی وسایل لوکس را که ورود آنها بکشور ممنوع است، بعنوان سوغاتی بمرحله خود می‌آورند. یکی از خوانندگان روزنامه کیهان در تماس تلفنی می‌گوید:

از وزارت ... زنگ می‌زنم چندی پیش یک هیات ۴۰ نفره از جمهوری اسلامی برای شرکت در کنفرانس سازمان یک کشور خارجی شد. تنها ۷ نفر میهمان رسمی این کنفرانس بودند. هزینه بقیه از بیت المال پرداخت شد و جانب این است که اعضای هیات کشور میزبان تنها ۸ نفر بود (کیهان ۲۵ شهریور ۷۰). عده‌ای از مسئولین مثلاً برای مأموریت یک هفته‌ای به کشوری می‌روند اما سفرشان مدت‌ها طول می‌کشد و در راه بازگشت نیز از چند کشور دیگر بی‌دلیل دیدن می‌کنند. رسالت در این مورد نمونه‌های را ذکر کرده است. کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در زمستان سال ۶۷ سفری به زلاند داشت. در مراجعت چند روزی به پکن می‌روند سفارت مادر چین به دلیل تراکم سفر هیئت‌ها و نبود وقت کافی برای برنامه‌ریزی برای بهره برداری مناسب، قبلاً با این سفر مخالفت کرده بود. متأسفانه با فشار تهران اینکار انجام می‌شود. اعضای کمیسیون پس از دو روز اقامت در پکن و یکی دو بازدید کم ارزش تصمیم به مراجعت به تهران می‌گیرند. ولی هواپیمائی تمام بلیطهایش تأیید شده بود و جائی برای آنان نبود. پس از

می‌کنند. برخی از آنها زیاده از حد مشکل پسند هستند. بنوشته مطبوعات کشور اخیراً برای مدیر عامل یکی از سازمانهای دولتی بنز گران قیمت و شیکی خریدند که ایشان آنرا نپسندیدند. ماشین بنز را با ۴/۵ میلیون تومان زیر قیمت در بازار فروختند. سران رژیم از تعداد این ماشین‌ها سخنی بمیان نمی‌آورند ولی آنچه مسلم است رقم سازمانهای دولتی و آژانسهای مهم! و ائمه جمعه خیلی بالاست. اگر هزینه خرید و نگهداری این ماشینها محاسبه شود بدون شک رقم فوق‌العاده زیادی خواهد بود.

کارگزاران دولتی از این اتومبیل‌ها و سایر ماشین‌های دولتی برای رفت و آمد خانواده خود و کارهای شخصی و تفریح و گردش استفاده می‌کنند. مردم هر روز جلو مدارس خوب تهران می‌بینند که برای بردن فرزندان کارگزاران دولتی منتظر هستند. یکی از خوانندگان روزنامه کیهان در تماس تلفنی می‌گوید: معاونان وزارت ... اتومبیل وزارتخانه را باراننده در اختیار خانه و بچه‌هایش قرار داده و این اتومبیل دائم در مسیر مدرسه و فروشگاه و قیره در رفت و آمد است و نکته مهم این است که این اتومبیل نو و یک تیویتا نیز دارد (کیهان ۲۵ شهریور ماه).

در سالهای اخیر وزراء و روسا و مدیران سازمانهای دولتی دیگر کارگزاران مهم حکومتی همراه با استفاده از ماشین لوکس و سکونت در خانه‌های مجلل، پولهای گزافی را برای تغییر دکوراسیون دفاتر کار خود و معاوضه تاشان صرف می‌کنند. این کار آنچنان گسترده است که در مطبوعات هم وسیعاً بازتاب پیدا کرده است. یکی از کارمندان دولتی می‌گوید: سازمان ما بعد از انقلاب تا کنون حدود ۲۰ مدیر عامل و یا سرپرست به خودش دیده است. اخیراً مدیر جدید منصوب شده که او به محض ورود به سازمان، دستور تغییر دکوراسیون اتاق خود را صادر نمود که کارگران ساختمانی، به کار افتاده و تفسیرات لازم انجام شد. تنها هزینه تزئین میز ایشان به بیش از ۳ میلیون ریال بالغ گردیده است" (کیهان ۲۰ شهریور ۷۰) و "سری به ساختمان اداره ... در نزدیکی کاخ نیاوران برنزد تا به بنیاد که از یکسال پیش تا کنون صدها هزار تومان صرف تزئین این ساختمانها شده است. کمتر شینی را که ایرانی باشد در این ساختمانها می‌توان دید" (کیهان ۲۵ شهریور) و بگفته روزنامه رسالت (۲۸ مرداد ماه ۷۰): طرف چند سال اخیر طبقات ۸ و ۹ و ۱۰ ساختمان مرکزی یک شرکت دولتی یعنی محل استقرار مدیران، آنچنان تغییرات محیرالعقولی کرده که دکوراسیون آن چشم هر بیننده را خیره می‌کند و حقوق مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره آن به ۱۰۰ هزار تومان صعود نموده.

یکی دیگر از اسراف کاریهای کارگزاران حکومتی تیریک و تسلیت گفتن های مداوم در روزنامه هاست. به محض اینکه وزیری، معاونی، مدیر کلی و رئیس هیئت مدیره دار مسئولیتی می‌شود سیل آگهی‌های تیریک به روزنامه سرازیر می‌شود. مسابقه بر سر تیریک گفتن آغاز می‌شود و هر سازمان و مقامی سعی می‌کند که زودتر از دیگران وظیفه خود

را ایفا نماید. کارگزاران حکومتی ماهانه میلیونها تومان صرف دادن آگهی‌های مختلف تیریک و تسلیت به یکدیگر می‌کنند. این آگهی‌ها، هزینه‌های سنگینی را بر بودجه کشور تحمیل می‌کند و فرهنگ تملق و چاپلوسی را رواج می‌دهد.

تعداد آگهی‌هایی که در روزنامه‌ها چاپ می‌شود بسیار زیاد است و برای شمارش آنها باید وقت زیادی را تلف کرد. طبق یک آمار مندرج در مطبوعات کشور، تعداد آگهی‌های صفحه اول در دو روزنامه صبح و دو روزنامه عصر به ۳۷۵ فقره و هزینه آنها بالغ بر ۳ میلیون و ۲۳۰ هزار تومان بوده است. طبق همین آمار بیشترین تعداد و بالاترین میزان هزینه مربوط به سازمانها، شرکت‌ها و یا مقامات دولتی بوده است. بطوری که تعداد آگهی‌های دولتی بالغ بر ۲۸۶ فقره و مبلغ آن حدود ۲ میلیون و ۳۳۵ هزار تومان شده است. تعداد آگهی‌های افراد شخصی و موسسات خصوصی ۱/۳ فقره و مبلغ ۶۳۶ هزار تومان بوده است. چنانچه میزان آگهی‌های مندرج در دیگر صفحه‌های این چهار روزنامه و همچنین تعداد آگهی‌های چاپ شده در دیگر روزنامه‌ها و مجلات را حساب کنیم، پولی که بابت آنها پرداخت شده سر به دهها میلیون خواهد زد.

راه انداختن ضیافت‌ها به مناسبت های مختلف از جمله ضیافت های افطار از طرف مسئولین دولتی یک جنبه دیگر از اسراف کاریها و ولخرجیهاست. تا کنون در مطبوعات بدفناات نمونه‌هایی از این ولخرجیها درج شده است. در این ضیافتها اکثراً تعداد زیادی مهمان دعوت می‌شود و بودجه زیادی صرف می‌شود. روسا بدین طریق برای خود موقعیت و حیثیت کسب می‌کنند. آنان به بودجه موسسات دولتی چون اموال بی صاحب می‌نگرند.

استفاده بی مورد از هلی کوپتر و هواپیمای شخصی نیز بین مسئولین بشدت رایج شده است. بگفته یکی از مسئولین در حال حاضر رقم پروازهای داخل وزارتخانه‌ها تقریباً به اندازه پروازهای شرکت های هواپیمائی داخلی است (کیهان ۲۴ شهریور ۷۰). زندگی در خانه‌های مجلل به عادت عمومی کارگزاران رژیم تبدیل شده است. آنها ویلاها و خانه‌های لوکس سران رژیم شاه را مصادره کرده و به تملک خود در آورده‌اند. بر اثر افشاکاری هائی که در مجلس شورا در دعوی بین جناح‌ها انجام می‌گیرد، گاه گوشه‌ای از این دستبدها به اموال دولتی به بیرون درز می‌کند. بارها در مجلس اسامی نمایندگان و یا سران حکومتی اسم برده شده است که چگونه در خانه‌های "ملاطوتی" مستقر شده‌اند. بخشی از کارگزاران بعد از رسیدن به مصادر حکومتی، با سلیقه خود خانه های مجلل ساختند. بنوشته مطبوعات خارجی، موسوی اردبیلی رئیس پیشین دیوان عالی کشور با صرف ۸۲۰ میلیون تومان و استخدام چند نفر از معماران کاخ های شاه برای خود کاخی ساخته است. عده‌ای از مسئولین به جای استفاده از خانه شخصی، آنرا با قیمت روز اجاره می‌دهند و خود در خانه سازمانی زندگی می‌کنند. بعلاوه کارگزاران از امتیازات ویژه‌ای در عرصه‌های مختلف بهره‌مند هستند. بنوشته روزنامه رسالت عده‌ای از آنها برای ورزش

و شنا از باشگا همای ویژه نظیر باشگاه پیام مخابرات و یا ورزشگاه دانشکده انسی و باشگاه ولی عصر (تصریح سابق) استفاده می‌کنند. طبق کارگزاران رژیم در چنین شرایطی تنها به حقوق ماهانه خود اکتفا نکرده و باشکال مختلف از جمله رشوه خواری، بندوبست با شرکت های خصوصی، فروش امتیازها، اخذ پورسانتاژ، عضویت در هیات مدیره شرکت‌ها، احداث موسسات و مراکز اقتصادی، استفاده از امکانات دولتی، اخذ وام های کلان، گرفتن ارز و عتومانی برای واحد های تولیدی و فروش محصولات به قیمت بازار آزاد به درآمدهای کلانی دست می‌یابند. به دو نمونه که از مطبوعات کشور اخذ شده است، توجه کنید: "نماینده‌ای از نمایندگان، امتیازاتی را به خود اختصاص داده، صاحبخانه است. ویلائی در شمال شهرداری و باماشین مدل بالا رفت و آمد می‌کند. بعنوان عضو غیر موظف چند شرکت وابسته به یکی از نهادها، حقوق مضاعف دریافت می‌کند. شایع هم هست که چند موافقت اصولی برای خود و خویشان دریافت کرده و اجناس مورد نیاز را براحتی تهیه می‌کند (رسالت ۲۸ مرداد ۱۳۷۰) و "دیروز با پیکان رفت و آمد میکرد اما امروز او را سوار بنز ۱۲ میلیون تومانی می‌بینند که یکی از شرکت های تابعه برایش خریده است. دفتر کار معاونان ایشان در حال تغییر دکوراسیون است با هزینه ۸-۷ میلیون تومان! قبلاً در یک خانه سازمانی زندگی می‌کرد در بهارستان، کفاف نکرده دستور داده خانهای را در خیابان افریقا گچ بزنند. این خانه بعنوان دفتر کار خریداری گردیده ولی امروز محل زندگی "رئیس سازمان" است... خانهای در اکباتان دارد که ماهی ۱۸۰۰۰ تومان اجاره می‌دهد. طبق مصوبه سال ۱۳۶۵ هیئت دولت، زمینی را در شمال تهران گرفته و مشغول ساختن آن است. (همان منبع)

زمانی که مسئله تجمل گرایی توسط خامنه‌ای مطرح گردید و در مطبوعات و میهنان انعکاس یافت بخشی از مسئولین در خدمت تجمل گرایی داد سخن گفتند و درست حکایت آن دزدی را پیش بردند که در حال فرار خودش هم مثل دیگران می‌دوید و می‌گفت آئی دزد آئی دزد و در آن میان معلوم نبود که دزد کیست. روزنامه کیهان نمونه‌ای از این برخوردها: در دانشگاه مایکی از مسئولین کاراداری که خود ماشینی در اختیار دارد چندروز پیش در مذمت تجمل گرایی برای دانشجویان داد سخن می‌گفت. در همان حال عده زیادی میدانستند که این حضرت خودش رطب خورده است و از بیت المال ۵ خودرو و برای اخذ دارو یک بنز و یک بی ام و برای استفاده باشی شهر یک پاترول برای مسافرت برون شهری، یک پیکان هم در خدمت هیالش است و اخیراً هم از طریق مرز و با رابطه بازی یک تیویتا به کلکسیون اتومبیل هایش اضافه شده است" (کیهان ۱۵ مهر ۷۰).

نساد و تجمل گرایی در بین کارگزاران رژیم آنچنان رسوخ کرده است که بسادگی و با یک مصوبه قابل رفع نیست. آنان که در دم و دستگاه دولتی به نان و نوالی رسیده‌اند، چگونه می‌توانند به مبارزه با تجمل گرایی و فساد همیق و گسترده در دستگاه دولتی برخیزند. "رطب خورده منع رطب کی کند".

دو خطمشی

کنگره دوم سازمان مامشی پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی را مجدداً مورد تأیید قرار داد. این مامشی بر مبنای ارزیابی معینی از ایدئولوژی، ساختار، سیاست، قانون اساسی و شیوه‌های حکومت کردن جمهوری اسلامی قرار دارد و این رژیم را مانع اساسی تحقق دموکراسی - به مثابه خواست بنیادین برنامه سیاسی ما - می‌داند. بنابراین ارزیابی، روند فعلی تحولات در کشور و چشم‌اندازهای آتی، تغییری در این واقعیت به وجود نمی‌آورد و امکان تحولی مثبت و قابل اتکا در درون رژیم را نوبد نمیدهد. کنگره خواستار استقرار دموکراسی در شکل جمهوری پارلمانی و فدراتیو به جای رژیم کنونی گردید و تصریح کرد که برای دستیابی به اهداف فوق و تحول دموکراتیک در جامعه، طرفدار سازماندهی جنبش اعتراضی در اشکال متنوع آن است، هیچ شکل از مبارزه را مطلقاً یا محکوم نمی‌کند و حق مردم در اعمال تخریب متقابل علیه قهر و سرکوب رژیم را به رسمیت می‌شناسد. در همین حال کنگره تأیید کرد که خواهان اعمال قهر و خشونت در مبارزه سیاسی نیست، طرفدار گذار مسالمت‌آمیز به دموکراسی است. انتخابات آزاد را مناسبترین شکل تحول دموکراتیک در ایران می‌شناسد و حداکثر تلاش خود را در این جهت به کار خواهد برد. بالاخره بر این نکته تصریح شد که اساس این خطمشی بر بسیج توده‌ای و اتکاب به مبارزات مردمی قرار دارد. کنگره برای تحقق دموکراسی در ایران نیروهای دموکرات جمهوری خواه، ملی و ملی - مذهبی را به همکاری در سطوح مختلف از جمله تشکیل جبهه جمهوری خواهان به عنوان آلترناتیو رژیم فعلی دعوت کرد. این خطمشی که پس از کنگره اول راهنمای عمل سازمان ما قرار گرفت، بدلیل مخالفت قاطع و پیگیری بار رژیم استبدادی جمهوری اسلامی، بدلیل خواست تغییر بنیادی قدرت سیاسی و به دلیل اتکای آن بر مبارزه توده‌ای به عنوان اهرم اصلی ایجاد تغییرات، یک مامشی رادیکال است و در همین حال بدلیل انعطاف آن در گزینش اشکال مبارزه سیاسی، برهیز از مطلق‌گرایی در گذار به دموکراسی، تأکید بر استفاده از جنبه‌های مثبت رفرمیسم و بالاخره در هر صده اتحاد با سایر نیروهای دموکرات، ترقی خواه و ملی از انواع رادیکالیسم افراطی متمایز است.

خط مامشی‌ای که در کنگره دوم در اقلیت قرار گرفت با طرح خواسته پایان دادن به جمهوری اسلامی مخالفت کرده هدف خود را تحقق دموکراسی اعلام کرد و از تعیین شکل دولتی این دموکراسی خودداری کرد. مامشی خود را در واداشتن رژیم به برگزاری انتخابات آزاد خلاصه کرد، شیوه‌های قهرآمیز، غیرقانونی و رادیکال مبارزه را پیشاپیش مردود اعلام نمود، تحول مسالمت‌آمیز را یگانه راه گذار به دموکراسی اعلام کرد و برای دستیابی به مجموعه اهداف خود یک مبارزه هلنی و قانونی را پیشنهاد داد. این مامشی به دلیل آنکه برای تحقق اهداف خود به تحول از بالا نظر دارد و در گزینش شکل مبارزه به شیوه‌های قانونی اتکا دارد بیانگر نوعی لیبرالیسم در مبارزه سیاسی است.

در این مقاله کوشش شده جنبه‌هایی از اختلافات اساسی این دو مامشی مورد بررسی قرار گیرد و بدین منظور مقاله‌های "انتخابات آزاد یا انقلاب سیاسی؟" (کار شماره ۱۲) نوشته آقای بیژن حکمت که به تصریح خود وی دیدگاه جمهوری خواهان ملی ایران را منعکس می‌سازد و صریحترین توضیحات را در مورد مبانی لیبرالیسم سیاسی ارایه داده و هم چنین "گفتگویی پیرامون هتوت، خط مامشی سیاسی و مساله ملی" (کار شماره ۱۸) نوشته رفیق فرخ نگهدار که روشن‌کننده‌ترین مقاله در توضیح این مامشی در سازمان ماست و سند "رئوس خط مامشی سیاسی ما" به امضای رفیق جواهری که مورد تأیید اقلیت کنگره قرار گرفت (کار ۲۳) مورد استناد قرار گرفته است.

دور ارزیابی متفاوت
یکی از اساسی‌ترین وجوه اختلاف دو مامشی فوق بر ارزیابی متفاوت از رژیم جمهوری اسلامی قرار دارد. مامشی اکثریت کنگره سازمان ما این رژیم را مانع اساسی تحقق دموکراسی در جامعه می‌داند، به استحاله یا تحول درونی مثبت آن اعتقاد ندارد و به همین جهت خواستار پایان دادن به آن است. یک چنین ارزیابی‌ای، از سوی مخالفین آن به مطلق‌گرایی متهم است و گفته می‌شود که نمی‌توان امکان تحول مثبت در درون رژیم را نوبد کرد و بی‌تردید این که همه جهان در حال تحول است در باره ماهیت ارتجاعی این رژیم تاکنون بسیار گفته شده و در اینجا قصد تکرار همه آنها نیست. این رژیم به دلیل ننی رسمی و عملی اراده مردم، تعطیل و سرکوب کلیه آزادی‌های سیاسی و دموکراتیک، لگدمال کردن حقوق اجتماعی مردم، حاکم کردن دین بر دولت و جامعه و دهها دلیل دیگر یک رژیم ارتجاعی است و باید از قدرت برکنار شود. در این هر صده باید کاملاً ماهیت‌گرا بود و لحظه‌ای نیز از کوشش برای برکناری چنین رژیمی قائل نماند آنچه

مسائل مورد اختلاف

ف. تآبان

که می‌تواند مورد گفتگو قرار گیرد نه اصل این موضوع، بلکه چگونگی تحقق آن است. آیا این رژیم به هر دلیل دچار استحاله و تغییرات درونی تا آن اندازه‌ای می‌شود که به نفع خویش برخیزد و به یک رژیم دموکراتیک تغییر یابد یا چنین ظرفیتی در آن وجود ندارد و باید آن را برکنار کرد و به جای یک قدرت دموکراتیک را مستقر نمود؟

وقتی از عدم امکان تحول در رژیم سخن می‌رود منظور پیش‌گویی‌های غیرمسئولانه نیست. از بحث بر سر این موضوع که آیا جمهوری اسلامی هرگز و یا حتی (یا هر سال دیگر تحولاتی را از سر می‌گذراند یا نه و دامنه این تحولات چقدر خواهد بود، قطعاً کسی سودی نخواهد برد. پیش‌بینی‌هایی نظیر اینکه در یک تحول دموکراتیک ممکن است رژیم برود، حکومت بماند یا حکومت هم برود حکومتگران بمانند و امثال این گونه پیش‌بینی‌ها نیز مسئله امروز نیست. وقتی از امکان یا عدم امکان تحول در رژیم سخن می‌رود منظور روندهای فعلی و آینده قابل پیش‌بینی است تا بتوان خط مامشی سیاسی خود را بر آن پایه متکی ساخت. زیرا به تأیید آقای حکمت نیز: "انتخاب سیاست ناشی از برداشت ما از روند تحولات جامعه در برش معینی است".

کسانی که می‌خواهند از تحولات کمونیست‌ها ضرورت تحول در جمهوری اسلامی را نتیجه بگیرند و دیگران را به داشتن سرشت ویژه و بدین تحول در حکومت فقها متهم می‌کنند خوب است به این موضوع نیز بیندیشند که به طور مثال آلیا اپوزیسیون غیرحزبی رژیمی مثل رژیم استالین در اوج سرکوبگری‌های او در سال‌های ۳۰ و ۴۰ حق داشتند به امید آنکه روزی روزگاری گارباچفی ظهور خواهد کرد، مبارزه خود مبنی بر برکناری رژیم وی را تابع توهمات چون امکان استحاله وی و مصالحه با او سازند؟ مخالفین کمونیست‌ها، نه در قرب و نه در خود شوروی هرگز دچار چنین توهمی نشدند. مجموعه سیاست‌ها و عملکردهای کنونی جمهوری اسلامی نیز تحولی جدی در این حکومت که بتواند خطمشی ما را دگرگون کند، نوبد نمی‌دهد، ما نمی‌توانیم با توهمات نظیر آنکه ممکن است از درون جمهوری اسلامی کسانی سر بلند کنند و راهگشای دموکراسی گردند، خود را سرگرم می‌توانیم. اگر روزی چنین واقعیتی اتفاق افتاد البته می‌توان در مورد خط مامشی پایان دادن به رژیم تجدیدنظر کرد.

اما نه با استناد به مخالفت با ماهیت‌گرایی در سیاست (روشن رفیق نگهدار) و نه با استناد به تحول در احزاب کمونیست و رهبران سابق کشورهای بلوک شرق (روش آقای حکمت) نمی‌توان به اثبات چنین موضوعی پرداخت. فاکت‌های مورد اشاره نظیر کاهش فشارهای اجتماعی، ستر گالیندوپول و وجود چند نشریه فرهنگی - ادبی داریم در معرض تهاجم و خطر تعطیلی، اشاراتی هم چون تغییر سیاست دول بزرگ و تغییر فکری در کادرهای رژیم، برای اثبات تحول در جامعه و جمهوری اسلامی یا آنقدر کم اهمیت و یا آنقدر مبهم هستند که در برابر ادعاهای اختناق و استبداد حاکم، سرکوب‌های بی‌امان، اعدام‌های زندانیان سیاسی و دهها فاکتی که نشانه آن است که سرکوب حتی دامن گروه‌هایی از خود رژیم را نیز در بر گرفته، نمی‌توان بر آنها متکی شد. انتخابات مجلس چهارم بیانگر این واقعیت است که چگونه حکومت در کار تمرکز بیشتر قدرت است و ما پس از ۱۳ سال تجربه باید دریافته باشیم که وقتی آزادی بیان و انتخاب حتی برای جناح‌هایی از رژیم زیر سوال می‌رود، نمی‌توان در انتظار نشانه‌هایی از فضای باز سیاسی برای دگراندیشان بود. برنامه تمام جناح‌های این رژیم ارتجاعی و ضدآزادی است و اگر نیز تحولی در کادرهای رژیم صورت گیرد و تا آن اندازه جدی باشد که به "مصالحه با خواست‌های مردم" بیانجامد، تجربه گذشته نشان داده که چنین کادرهایی هیچ راهی جز بریدن از رژیم و پیوستن به اپوزیسیون نخواهند داشت و اگر خود آنها مایل به چنین کاری نباشند، رژیم مجبورشان خواهد کرد.

اما مامشی لیبرالی، بر امکان تحول در جمهوری اسلامی متکی نیست و عقب‌نشینی و مصالحه آن با مردم را یگانه چشم‌انداز واقعی می‌بیند و جز این ارزیابی با هیچ استدلال دیگری نیز نمیتوان انتخابات آزاد را به عنوان یک خطمشی سیاسی مطرح کرد. روی دیگر انتخابات آزاد به عنوان یک مامشی سیاسی،

رفیق نگهدار در مقاله خود که به طور عجیبی مملو از احکام یک جانبه و پیش‌بینی‌های حیرت‌انگیز است از همین امروز تاکتیک خود در آستانه یک انقلاب فرضی را هم معین کرده و می‌نویسد: "اگر هم چون آستانه انقلاب بجمعی اعتراض توده‌ای چنان اوج گیرد که رژیم فقها را در آستانه سرنگونی قرار دهد چه باید کرد؟" وی سپس پاسخ می‌دهد "هرگاه اعتراض توده‌ای تحت رهبری سازمانهای سیاسی چنان اوج گیرد که رژیم را در آستانه تسلیم به اراده خود قرار دهد، به سود دموکراسی است که از جانب آن رهبران، مجمعی متشکل از نمایندگان جناحهای سیاسی کشور تشکیل شود و مسئولیت برگزاری انتخابات آزاد با شرکت همه نیروهای سیاسی و فراخواندن مجلس موسسان برعهده آن قرار گیرد".

رفیق فرخ نگهدار حاضر نیست بیش از این بیندیشد و این سوال را نیز پاسخ گوید که اگر رژیم و یا جناح‌هایی از آن به این موضوع تن ندهند و علیه آن "مجمع" و برگزاری انتخابات آزاد دست به تعرض مسلحانه بزنند، در شرایطی که خیابان‌ها کاملاً از این موضوع نیز راحت است که رهبران جنبش پیشاپیش هرگونه اعمال قهر از جانب مردم را مردود شمرده‌اند، چه باید کرد؟ آقای حکمت نیز در سرتاسر مقاله خود هیچ‌گاه توضیح نمی‌دهد که اگر رژیم تن به مصالحه و عقب‌نشینی نداد چه باید کرد و سند اقلیت کنگره نیز این سوال را بی‌پاسخ می‌گذارد که اگر علیه تمام کوشش‌هایی ما رژیم انتخابات آزاد را نپذیرفت چه باید کرد؟ سکوت در برابر این سوال قابل درک است زیرا پاسخ به آن می‌تواند تمام "سیاست و استراتژی" انتخابات آزاد را زیر سوال ببرد و جنبه‌های شدید توهمی و اشراف‌آمیز آن را روشن

کند اما سکوت سوال را از بین نمی‌برد بالاخره مغسیرین این خطمشی باید به مخالفین خود حق بدهند که مانند آنها به "مسلم بودن" عقب نشینی رژیم اعتقاد نداشته باشند و به این موضوع نیز بیندیشند. این سوال نه از روی یک بدبینی بی‌پایه بلکه دست کم با توجه به ۳ تجربه بزرگ در کشور ما یعنی انقلاب بهمین، حکومت دکتر مصدق و بالاخره انقلاب مشروطیت پاسخ مشخص خود را می‌طلبد.

کمتر کسی است نداند که خمینی در مقابله با رژیم شاه به هیچ وجه طرفدار خونریزی نبود و با شعار "ارتش برادر ماست" به میدان آمد. پیش از رفتن شاه و به ویژه پس از آن مذاکرات پشت پرده بسیاری برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و برگزاری انتخابات جریان داشت و پس از فرار شاه و در روزهای حکومت بختیار دور از انتظار نبود که قدرت دوگانه‌ای که برقرار شده بود تماماً و بطور مسالمت‌آمیز به خمینی و دولت موقت منتقل شود. اما درست در همین احوال گارد شاهنشاهی دست به تعرض زد. خمینی در میان همه نیروهای سیاسی آخرین کسی بود که فرمان مقاومت داد اگر رهبری جنبش، رهبری دموکراتی بود و با آقای بختیار بر سر برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین مجلس موسسان به توافق می‌رسید، آیا امکان مقاومت مسلحانه دست کم جناح افراطی رژیم پهلوی منتفی بود؟ به هیچ وجه نمی‌توان چنین ادعای بی‌پایه و اثبات ناشدنی را پذیرفت که اگر خمینی انتخابات آزاد با شرکت "همه جناحهای سیاسی کشور" را می‌پذیرفت، جناح‌های افراطی رژیم شاه دست به سرکوب مسلحانه نمی‌زدند، زیرا رژیم شاه به هر حال رفتنی بود و عده‌ای با چنگ و دندان خواهان حفظ آن بودند.

تجربه دیگری نیز پیش روی ماست، تجربه‌ای که برخلاف انقلاب بهمین حاصل یک پروسه چندان انقلابی نبود و مربوط به دوران حکومت دکتر مصدق است. وی مبارزه خود را کاملاً قانونی و مسالمت‌آمیز پیش برد، به هیچ اقدام رادیکالی که متوجه براندازی سلطنت باشد دست نزد و حتی خواست انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس موسسان را نیز پیش نکشید، اما ارتجاع پهلوی با کمال تساوت مبارزات مسالمت‌آمیز او را به خون کشید. و بالاخره همین واقعیت به نوعی نیز در جریان انقلاب مشروطیت تکرار شد. اما در آنجا نیکان ما از مواضع بین تر و کم‌تر اسیر در توهمات بودند و به مقاومتی در برابر تعرض استبداد دست زدند و با سازماندهی قیام تبریز موجب درهم شکسته شدن استبداد مطلقه و احاده مشروطیت شده‌اند یک سیاست مدار اندک واقع بین با این همه تجربه تاریخی چگونه می‌تواند پیشاپیش احتمال مقاومت مسلحانه دشمن در برابر دموکراسی را ننی کند و بدتر از آن اعلام نماید که از مقابله متقابل چشم پوشی خواهد کرد. یک چنین دموکراسی خواهی تنها جری کردن دشمن و واگذارن جامعه در زیر چنگال خونین آن خواهد بود. یادآوری آقای حکمت و رفیق نگهدار چه در جریان انقلاب مشروطه، چه کودتای ۲۸ مرداد و چه تعرض گارد شاهنشاهی دموکرات‌ها نمی‌بایست به خانه هایشان برگردند، برای جلوگیری از وقوع دیکتاتوری تازه خیابان را به اوباشان مسلح واگذار کنند و منتظر شوند تا در فرصتی تازه همه چیز از نو شروع شود؟

البته می‌توان این تجارب را مربوط به دهه پیش و دهه‌های پیشین دانست و در برابر آنها نظم نوین بین المللی و سیاست جدید دول بزرگ را پیش کشید، اما بالاخره این اندیشه‌ها هر قدر هم در مائوی باشد آیا نباید در خطمشی خود جایی نیز برای تکرار احتمالی این حوادث و روشهای مقابله با آن بازگذاریم؟ درست است که امکانات ارتجاع در سرکوب دموکراسی کمتر شده اما کسی نمی‌تواند مدعی شود که این امکانات به پایان رسیده است.

دوره متفاوت
دو خط مامشی فوق نه در ارزیابی از جمهوری اسلامی و نه در مورد چگونگی مقاومت در برابر سرکوبگری رژیم بلکه طبعاً در شیوه‌های مبارزه برای تحقق دموکراسی نیز دارای اختلافات همیتی هستند. مامشی رادیکال از آنجا که امکان تحول جدی در رژیم را در چشم انداز آتی منتفی می‌داند، اساس کار را در جهت فراهم آوردن و بسیج نیرویی می‌شناسد که بتواند رژیم را از قدرت به زیر کشد. در این مامشی سازماندهی یک جنبش اعتراضی توده‌ای مسئله اصلی است. تعویض قدرت به اتکای یک جنبش توده‌ای در عرف معمول انقلاب سیاسی نام دارد. بر خلاف اصراری که چندان ناشی از بی‌توجهی نیست - از جمله در مقاله آقای حکمت انقلاب سیاسی مترادف اعمال قهر و خونریزی نیست و می‌تواند بصورت مسالمت‌آمیز صورت گیرد. تحولات در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی، صرفنظر از جنبه‌های مثبت یا منفی آن، تغییراتی انقلابی بود که موجب تغییر قدرت به کمک جنبش‌های توده‌ای گردید و در اکثر موارد حالتی مسالمت‌آمیز داشت. کوشش اپوزیسیون دموکرات ایران باید این باشد که قدرت موجود را در جریان یک انقلاب

مسائل مورد اختلاف

مسئله امتیاز برکنار نماند، برگزاری انتخابات آزاد در برابر چنین روندی قرار ندارد، بلکه مطلوب ترین شکل به سرانجام رسیدن آن است. برخلاف نظر آقای حکمت که انتخابات آزاد و انقلاب سیاسی را بصورت دو مثنی متفاوت در برابر هم قرار می دهد، پروسه تحولات انقلابی می تواند با یک انتخابات آزاد که الزاماً پس از سلب قدرت از رژیم کنونی نیز نخواهد بود، به پایان برسد.

ممکن است رژیم جمهوری اسلامی در جریان گسترش دامنه انقلاب سیاسی به انتخابات آزاد تن دهد و یا نظیر انقلاب بهمن قدرت دوگانه‌ای پدید آید که شرایط برگزاری انتخابات آزاد قبل از برکناری رژیم فراهم شود. اما این احتمالات تغییری در هدف اپوزیسیون دموکرات ایجاد نخواهد کرد، بلکه شکل مبارزه در راه این هدف را دگرگون خواهد کرد. آنگاه فشار توده‌ای برای برکنار ساختن "غیرقانونی" رژیم جای خود را مثلاً به شعار "به جمهوری اسلامی رای ندهید، به جبهه دموکراتیک رای دهید" خواهد داد. در هر حال اساس این خط مشی تا زمانی که رژیم انتخابات آزاد برای تعیین نظام جدید را نپذیرفته و شرایط تحقق آن فراهم نیآورده، متوجه "سیج از پائین" برای برکناری این رژیم و فراهم کردن شرایط برای برگزاری انتخابات آزاد است و هر تحولی در بالانیز لزوماً باید در خدمت این هدف قرار گیرد. مسئولیت مسالمت آمیز بودن یا نبودن این پروسه متوجه رژیم است و اپوزیسیون و توده مردم باید این حق را که در صورت مقاومت رژیم در برابر این روند و توسل آن به سلاح آتزا بطور تکرر سرنگون سازند و انتخابات آزاد را بدون وجود آن برگزار کنند، برای خود محفوظ و کاملاً قانونی بشناسند. دست کم ۳ تجربه بزرگ پیش گفته این موضوع را به اثبات می رساند.

لیبرالیسم نه تنها با تخریب بلکه با انقلاب و رادیکالیسم نیز مخالفت می کند و تنها از شیوه‌های رفرمیستی و قانونی جانبداری می کند. آقای حکمت انقلاب سیاسی را صرف نظر از احتمال پیروزی... می شمارد و "روش‌های مسالمت آمیز با دورنمای تحول قانونی" را در برابر آن قرار می دهد. وی متأسفانه توضیحی در مورد منظور خود از "تحول قانونی" نمی دهد، اما تصریح می کند دموکرات‌ها باید توانین را تا وقتی که راهی برای تغییر آنها وجود دارد، هر چند که غیر دموکراتیک هم باشند، به رسمیت بشناسند. وی صراحتاً هدف خط مشی خود را رسیدن به مصالحه با جمهوری اسلامی اعلام می کند و راه آتزا "سیاست کنگو" برای رسیدن به معیارهای مشترک "با همه گرایشهای سیاسی جامعه" می داند.

پیشنهادات رفیق نژاد نیز از چهار چوبه فوق فراتر نمی رود و در آن اصلاحات سیاسی از بالاتر از راه مطمئن تحقق دموکراسی در ایران قلمداد می شود. با همین روحیه است که اقلیت کنگره در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در تلاش تمرکز بیشتر قدرت است و قانونیت جناحهایی از خود را نیز به زیر سؤال برده "تامین فعالیت قانونی و هملنی" را از اهم وظایف رهبری سازمان می شناسد.

در آنچه که گفته شد براحتی میتوان استخوان بندی یک مشی "مبارزه برای تغییر از بالا" را مشاهده کرد. مشی‌ای که با ننی مبارزه در راه پایان دادن به حاکمیت اسلامی تنها امکان تحقق دموکراسی را در تحول درونی آن جستجو می کند و فعالیت مسالمت آمیز و قانونی، گنگو برای رسیدن به معیارهای مشترک و بالاخره مصالحه با آن را وسایل تحقق این هدف می شناسد. در کنار روشهای فوق بر سیج از پائین و مبارزات مسالمت آمیز مردم نیز تأکید می شود، اما منطلق درونی این مشی و همچنین تجارب تاریخی فراوان نشانگر آن است که این تأکیدات در عمل اگر کاملاً هم فراموش نشوند جای پر اهمیتی را اشغال نخواهند کرد. کاملاً طبیعی است که وقتی اساس کار ایجاد تحول در بالاتر از داده شود، هر بظاهر تغییر مثبت در آن بالا از دهها اعتراض کوچک و بزرگ مردمی علیه آن مثبت تر و موثرتر ارزیابی گردد و برای هموار کردن راه مصالحه و گنگو و رسیدن به معیارهای مشترک بر بسیاری از اقدامات ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه چشم فرو بسته شود. مشی سازمان خود ما در سالهای ۵۶ تا ۶۲ تجسم کامل این واقعیت است. مانیز کاملاً صادقانه با امید به تحول درونی رژیم چشم خود را بر بسیاری از حقایق بستیم.

هم اکنون نیز نشانه‌هایی برای نگران شدن وجود دارد. وقتی قانونی شدن در شرایط سرکوب و پیگرد شدید و در صورتی که رژیم حتی قانونی جناحهایی از خود را به زیر سؤال برده "از اهم وظایف" تلقی شود، خود به خود این سؤال پیش می آید که برای این قانونی شدن باید چه‌جایی پرداخته شود؟ وقتی دستیابی به معیارهای مشترک با جنایتکارانی که

دشمنان در خون آزادخواهان غوطه‌ور است امکان پذیر باشد، این سؤال به میان می آید که معیارهای ما می خواهد تا کجا سقوط کند؟ و بالاخره این اصرار آقای حکمت و رفیق نژاد که رژیم اسلامی را بعنوان "یکی از جناحهای سیاسی کشور" به رسمیت شناسد برای چیست؟ چرا چنین اصراری صورت می گیرد که حکومتی خونریز و مستبد و مسئول ویرانی‌ها و تباهی‌های ۱۳ ساله اخیر با نیروهای سرکوبگر بسیار، با زندانهای پرشمار و با کارنامه‌های سراسر سیاه، یک جناح سیاسی قلمداد شود در ردیف جناحهای سیاسی دیگر؟

رادیکالیسم توده‌ای را ننی نکنیم، سازماندهی کنیم

آقای حکمت در مضرات انقلاب و رادیکالیسم برای دموکراسی تأکیدات بسیاری دارد، اما این نکته را پاسخ نمی گوید که چرا مبارزات رفرمیستی قانونی نتوانسته است منشا تحولات مهمی در جامعه ما بشود و آنجا نیز که تحولاتی را سبب شده بر اثر وجود یک جنبش سیاسی و اجتماعی رادیکال بوده است. در انقلاب مشروطیت در حوادث سالهای ۳۲ تا ۳۵ و در جریان انقلاب بهمن هر فرم در حکومت ناشی از فشار یک جنبش توده‌ای و رادیکال بود و بعکس در فرم‌های دوران رضاشاه و "انقلاب ارضی" شاه که رادیکالیسم در جنبش حضور جدی نداشت اصلاحات اساساً به میل حکام مستبد پیش رفت. در اولی سخنی از دموکراسی در میان نبود و در دومی فضای نیمه دموکراتیک پدید آمده به اراده حکومت و با کمترین مقاومت خیلی زود تعطیل شد. پیوستن به رفرمیسم و حتی اعلام این موضوع با صدای رسانیز تغییر در این واقعیت نمی دهد. این موضوع به خواست کسی بستگی ندارد. در جوامعی همچون جامعه ما که مخلو از حادترین تضادهای طبقاتی اجتماعی و سیاسی است، جنبشهای سیاسی نمی توانند از عملکرد شدید این تضادها در امان بمانند. استبداد حاکم به دلیل ترس از خیزش جنبشهای توده‌ای به سختی به رفرمیسمی هر چند کوچک دست میزنند و آنگاه که شکافی در بنای استبداد وجود آید و هر تحولی که به سود باز شدن فضای سیاسی پدید آید می تواند به سرعت به سیج جنبشهای بزرگ رادیکال و انقلابی بیانجامد و ابعاد مبارزه توده‌ای را از یک مبارزه آرام و قانونی گامجا فراتر برد. محدود کردن این جنبشها در چهار چوبه قانونیت و مصالحه با استبداد به آسانی میسر نیست و تنها راه را برای میدان گرفتن تندروهای افراطی هموار می سازد. این واقعیت است که تاریخ یکصد ساله اخیر در جامعه ما اثرات تأیید کرده و نشان داده که در هر کشور مبارزه در راه دموکراسی و یژگیهای خودش را دارد. راه کمک به استقرار دموکراسی در کشور ما شکایت از این واقعیت و بدتر از آن، ستیز با آن اگر انقلاب بهمن به دلیل رهبری مذهبی و استبدادی آن نقشی منفی در تاریخ جامعه ما بازی کرد، انقلاب مشروطیت در راهگشایی به دموکراسی گامی به پیش بود. چه کسی می تواند نقش قیام تبریز به رهبری ستارخان و مبارزات مسلحانه آنان با تراجاع حاکم و مشروطیت را به ایران بازگرداند و به ضرر دموکراسی ارزیابی کند؟ چه کسی می تواند نقش رادیکالیسم در به جلو راندن مصدق را کتمان کند و سترونی لیبرالیسم سالهای ۳۹ تا ۴۲ را نادیده بگیرد. مگر حکومت بختیار که ایک از سوی بسیاری آئتراتیو مطلوب خمینی در جریان انقلاب بهمن که می یابست مورد پشتیبانی قرار می گرفت، ارزیابی می شود بر اثر عقب نشینی شاه در برابر یک جنبش رادیکال که هدف خود را به هیچ وجه مصالحه با حکومت و وقت قرار نداده بود، روی کار نیاورده بود و آیا کسی می تواند ادعا کند که یک مبارزه قانونی و مصالحه جویانه رژیم شاه را به یک چنین عقب نشینی مجبور می ساخت؟

چپ در ایران از ننی رادیکالیسم سودی نخواهد برد. ما باید در این سنگر باقی بمانیم و باقی ماندن در این سنگر رانیز به دشمنی با رفرم و لیبرالیسم سیاسی تبدیل نکنیم. زیرا هر کدام از این روشها و نیروهای حامل آنان نقش خود را در حرکت جامعه ما رو به دموکراسی و پیشرفت بازی کرده و از این پس نیز بازی خواهند کرد.

حساب اصلی مشی مصالحه بر روی جناح آقای رفسنجانی و اقدامات بظاهر رفرمیستی آن است. وعده‌های وی در باب اصلاحات و بازگشت مهاجرین و فیره به این مشی نیرو بخشید و موجب گردید که به صراحت سخن اصلی خود را بر زبان آورد. مشی مصالحه در این انتخاب نیز در حال تکرار یک اشتباه بزرگ سیاسی است و در کسی ظرفیتهای یک تحول مثبت را جستجو می کند که در رویای ایجاد یک حکومت مستبد فردی ولی معاصر، "متدانه" و کمتر مورد اعتراض قرب است. او گامهای بسیاری در این راه برداشته و اکنون دست در دست متحدین مرتجع رسالتی خود در صدد است انتخابات مجلس چهارم را به گونه‌ای سازمان دهد که مخالفین سرسخت خود در درون حکومت را از میان بردارد. و در این میان کسانی با ندیدن مراحل عروج رفسنجانی به اریکه یک قدرت مستبد فردی با این

آینده کمونیسم

قسمت دوم

از همان ابتدا هم سرمایه داری صنعتی ترکیبی از نیروهای پیشرونده و پسر ونده تولیدگر و گرایشات مخرب دست یافته بود. در ابتدا نیروهای سازنده دست بالا را داشتند. اما با فرارسیدن دوره امپریالیزم، نیروهای مخرب و پسر ونده برجسته شدند. بهای گزاف برای پیشرفت دائمی این به معنی آن نیست که نیروهای تولیدگر انسانی یا مکانیکی. از رشد باز ایستادند. در حقیقت این نیروها همانطور که دوره بین پایان دهه چهل و ابتدای دهه هفتاد (در بعضی کشورهای نیمه صنعتی دهه هفتاد و ابتدای دهه هشتاد) نشان میدهد پیشرفت، هژمونی پیدا کردند. اما بهای این پیشرفت بسیار گزاف بوده است.

آشکارترین بیان واژگونی این گرایش، ظهور تسلیحات اتمی، بیولوژیک و شیمیایی در طی جنگ دوم جهانی بوده است. کار بردگسترده این تسلیحات از پایان جنگ به بعد. به معنی انهدام فیزیکی نوع بشری است. تکثیر پایگاه‌های اتمی هم در بردارنده همان خطر در شرایط جنگ ترادادی اما در مقیاس عظیم است. از این روجوگیری از جنگ‌های جهانی یاقاره‌ای - خواه اتمی یا ترادادی - اولین هدف استراتژیک جنبش کارگری از جمله عناصر کمونیست آن باید باشد.

از خطر انهدام بشریت که در جنگ اتمی انتظار آن می رود، باید به این نتیجه استراتژیک رسید که تنها ضمانت واقعی و قطعی برای بقای نوع بشر است که تمام کارخانه‌ها و آزمایشگاه‌های قادر به تولید مواد مملک باید توسط تولیدگران آن اداره شود. در پی موافقت نامه‌ای باید این تولیدگران تولید این تسلیحات را متوقف کرده و بی درنگ در پی نابودی مواد تولید شده برآیند.

دیروز، تردید بر سر "سوسیالیزم یا بریسم" بود، امروزه تردید بر سر "سوسیالیزم یا مرگ" است. این ژرف ترین انگیزه‌ی قابل تصور برای کمونیسم است. این نتیجه از سایر تهدیدات مملکی که برهستی بشر سنگینی می کند، ناشی می شود. از همه مهمتر تهدید نابودی محیط زیست و خطر گسترش فاجعه آمیز گرگ سگی و بیماری‌های واگیر در جهان سوم و سایر مناطق است.

کنترل باید به عهده‌ی مزدبگیران باشد اگر کنترل تولید و توزیع ثروت همچنان در دست نیروهای اجتماعی و حکومت‌هایی باشد که اهداف و نیرهای خصوصی و فنی کردن آنها را دنبال می کنند، این خطر را نمی توان از میان برداشت، این امر از طرفی به رشد شکل‌های اجتماعی بی رویه و غیر قابل کنترل منجر خواهد شد. کنترل باید به عهده مزدبگیران و متحدان آنها، دهقانان باشد که دارای اراده و قابلیت در اختیار گرفتن تمام منافع شخص و پیشرفت هاد راه همیاری در جهت منافع بشریت هستند. برای اولین بار از ظهور استالیانیزم به بعد، پرچم آزادی، دموکراسی و گستردن چهره صورت، مستقیم و یا نموداری، ضد نظامیگری در دست سوسیالیست‌های انقلابی قرار میگردد.

آزادی، برابری سیاسی و اقتصادی؛ همبستگی و عدالت اجتماعی در مقیاس جهانی؛ ضد نظامی‌گری رادیکال؛ دفاع رادیکال در جهت محیط زیست؛ احترام به حقوق زن؛ این همامه ترکیبی غیر قابل شکست است. این همامین تبلیغی بزرگی است باید برای آنها تلاش کرد. این شعارها در

داستان ساخته و پرداخته مشاوران وی همدستان شده اند که همه مشکلات زیر سر تندروهاست و اگر آنها کنار گذاشته شوند راه برای اصلاحات آقای رفسنجانی باز می شود و مشی مصالحه امکان تحقق می یابد. آنها از هم اکنون در آنجا که می توانند گفتگو با رفسنجانی را آغاز کرده و وی را به رعایت دموکراسی دعوت می کنند و در آنجا که نمی توانند رهبری سازمانشان را به قدم گذاشتن در این راه تشویق می کنند.

تجربه ۱۳ ساله گذشته نشان داد که بر خلاف تصورات ما حذف هر بخش و جناح از رژیم به تشدید خصلت استبدادی آن کمک کرد و اکنون نیز همین پروسه در جریان است و اشتباه مملکی خواهد بود اگر بار رفسنجانی و متحدین آن در حذف مخالفین وی

نوشته: ارنست ماندل

ترجمه: رامین جوان

حقیقت ترکیب تقاضاهای گذرا و فوری با طرح‌های سیاسی است که این اندیشه‌ها را به صورت واقعی در می آورند. چنین برنامه‌ای یک تضمین قطعی برای آینده کمونیسم است.

زیر نویس‌ها

۱- عنوان‌های دافی که در گذشته برای بحث مد بودند، موضوعاتی بودند همچون "امپراطوری شیطان" "ریگان و "توتالیتریانیسمی که همواره گسترش یافته و هیچ چیز نمیتواند مانع آن شود." امروزه دیگر از این بحث‌ها خبری نیستند.

۲- مطبوعات امریکایی در اطراف مقاله‌ای از نویسنده‌ای نامعلوم که خود را مجهول می نامد، سرو صدای فراوانی به راه انداختند. این نامه، شتی از خط "جنگ سرد نسبی" ریگان - بوش را با شوروی مطرح می کند که در آن هدم اطمینان اساسی نسبت به گورباچف، پیگیری جنگ سرد و آهنگ فزاینده‌ی تسلیحات مطرح می شود.

۳- نماینده سوسیال دموکراسی سوئد آشکارا مطرح میکند که: "باید به سرمایه داری چهره‌ای انسانی بدیم" نقل قول‌ها از نشریه "زمان" شماره سی ۲۹، ۱۹۸۹

۴- مایه تاسف است که شرکت کنندگان با تحصیلات عالی میزگرد هامبورگ همواره پیش افتاده ترین مسائل را تکرار می کنند. مسائلی که نه در مطالعه همین نوشته‌های مارکس و لنین و نه هرگونه مطالعه در فعالیت‌های تعلیمی جنبش سازمان یافته قبل از دیکتاتوری استالین، محسوس و قابل کاربست است. مارکسیست‌ها حائند تمام دیگر ایدئولوگها - متمم به این گناه هستند که "پایان تاریخ" را پیش بینی کرده اند. در حقیقت مارکسیست‌ها، متواضعانه به سادگی پایان دوران پیش تاریخی را پیش بینی میکنند که طی آن انسانیت در تنگنای تلاش تیره کانه بقاء و درگیری در کار اجباری قرار میگردد. درام واقعا انسانی؛ تاریخ انسانی تنها زمانی شروع می شود که انسانیت از این شرایط رها شود. آنجا که چنین رهایی را "میدنه فاضله‌ای" می داند، باید به اسطوره گناه ابو البشر هم متوسل شوند.

۵- "جامعه پس از صنعت" در جهت "جامعه بعد از پرولتاریا" به معنی آن است که خوراک، پوشاک، مسکن، و وسائل خانگی، مواد بهداشتی، ارتباطات، مدرسه، بیمارستان، حمل و نقل که بدون آنها هیچ متفکر و ایدئولوگی نمی تواند زندگی کند با ۱۰ درصد توسط آدمک‌های ماشینی و نه انسان تولید می شود.

۶- رفیق زمین "Zimi ri" یکی از معدود بازماندگان اپوزیسیون چپ روسی، قبل از مرگ، تکذیب جالبی در مورد این اشارات تئوریک در کتابش "استالیانیزم و واقع گرایی اجتماعی اش" ارائه می دهد.

۷- ویکتور کوروتیچ به درستی در میز گرد هامبورگ تأکید میکند: "اگر پرستوریکاموقیت پیدا کند، (سوسیالیزم) باید پیروز شود! به این ترتیب نظریه سوسیالیزم از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد شد." (ما میگوییم: اگر پیروزی‌های انقلاب سیاسی از پائین گلاسئوست را به صورت پدیده‌ای همومی در می آوریم.)

۸- به بخش از سرمایه، جلد اول درباره طبیعت دوگانه‌ی ماشین توجه کنید.

در حکومت به هر شکلی همدستان شد. نتیجه این کار نه باز شدن راه برای اصلاحات بلکه تشدید خصلت استبدادی رژیم خواهد بود. بویژه اینکه اگر دقت کنیم، بسیاری از آنهایی که در خطر حذف شدن توسط رفسنجانی و متحدین وی هستند، همان کارهایی هستند که به بیان آقای حکمت در حال تحولند، منتصی تحولی که هر چند می تواند در مبارزه سیاسی کشور موثر واقع شود، نقشی در تغییر سمت رژیم و فراهم آوردن شرایط مصالحه با آن ایفا نخواهد کرد و شاید از همین زاویه است که مورد توجه چندانی نیز قرار نگرفته است.

ما یکبار به اندازه نقش خود در عروج خمینی به اریکه قدرت مستبد فردی کمک کردیم و ای کاش این اشتباه این بار در مورد یک دیکتاتور دیگر تکرار نشود.

خبرها و نظرها

نخستین کنگره "راه کارگر" برگزار شد

نخستین کنگره سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در مهر ماه ۱۳۷۰ برگزار گردید. خبر برگزاری کنگره در اطلاعیه کمیته مرکزی این سازمان اعلام شده است. این اطلاعیه در شماره ۸۷ (مهر ماه) نشریه راه کارگر درج گردیده است. در این اطلاعیه آمده است: "اولین کنگره سازمان در مهر ماه ۱۳۷۰ با شرکت نمایندگان تمام تشکیلاتهای سازمان برگزار شد. بررسی عملکرد ۱۲ ساله کمیته مرکزی (از بدو تاسیس سازمان تاکنون)؛ بحث درباره برنامه و اساسنامه سازمان و هم چنین بررسی اوضاع سیاسی و تاکتیک های سازمان، مهمترین مسائلی بودند که در دستور کار کنگره قرار داشتند. شرکت کنندگان در کنگره پیرامون همه اسناد ارائه شده به کنگره فعالیت بحث و اظهار نظر کردند و با اصلاح و تصویب آنها و صدور قطعنامه های مختلف موفقیت کنگره را رقم زدند. بحث های کنگره عمدتاً پیرامون برنامه و اساسنامه و گزارش عملکرد ۱۲ ساله کمیته مرکزی بود و بحث درباره برنامه جایگاه ویژه ای یافت. تعداد

برگزاری دومین کنگره سازمان و مصوبات آن در برخی نشریات چپ بازتاب پیدا کرده است. نشریه راه آزادی تنها به اعلام خبر برگزاری کنگره و بخش هایی از "سند خط مشی سیاسی سازمان" و "قطعنامه مصوبه در باره فعالیت فدائیان خلق در داخل کشور" اکتفا کرده است. ولی نشریه اتحاد کار مقاله ای با عنوان "کنگره اکثریت و مسئله اشکال فعالیت در داخل" به قلم حیدر و مقاله دیگری با عنوان "دگماتیسم راست در جنبش چپ ایران" به قلم رسول درج کرده است. در این دو مقاله اسناد مصوب کنگره مورد نقد و بررسی قرار گرفته اند. در مقاله اولی آمده است: "در هر حال تصحیح در بندهای ۱ و ۲ نشان میدهد که اساساً اکثریت به مبارزه متشکل واقعی در داخل اعتقادی ندارد... اعلام این موضوع هر چند به زبان الکن از جانب اکثریت نکته مثبتی در قطعنامه به شمار می آید، چرا که حداقل تکلیف فعالین داخل را روشن نمود و آنان را از داشتن انتظارات بیجوده از رهبری که هر روز نغمه تازه ای سازمانی کند و بی صلاحیتی اش را طی دوره های گذشته در عمل نشان داده است، رها کرده و به این جهت سوق میدهد که خود را رها و با فعالیت همایشان را برگزیده و با مشکلات و مسائل برخورد نمایند که در این صورت مسلماً به نتایج درست تر و بهتری دست خواهند یافت..."

نظرات "اتحاد کار" در مورد مصوبات دومین کنگره سازمان

قانونی و هلنی اصل است. خواه دمکراسی در کشور باشد یا استبداد خشن، فرقی برای اکثریت نمی کند این اصل طلایی را باید رعایت کرد و از آن عدول نمود. این مشی عملی با مشی سیاسی اکثریت که ضدیت با انقلاب قهرآمیز و تحول قهرآمیز و تلاش برای اصلاحات از طریق مسالمت آمیز و قانونی از پایه های اصلی آن به شمار می آید، انطباق کامل دارد. رهنمودهای فوق در حقیقت حاصل تلاش اکثریت برای انطباق مشی سیاسی "نویس" اش بر شرایط ایران و ترجمان عملی آنست که چیزی بجز قانونیت گرای مطلق نیست. اما از آنجا که در وضعیت فعلی استبداد مذهبی حاکم منافذ فعالیت های هلنی و قانونی را بشدت مسدود کرده است، کسانی که در صدد اجرای چنین مشی ای برآیند، هرصه چندانی برای فعالیت هلنی و قانونی نخواهند یافت و با توجه به اینکه باید از مبارزه مخفی و غیرقانونی پرهیز نمایند، چاره ای نخواهند داشت مگر اینکه غیر فعال بوده و منتظر شرایطی بمانند که امکانات هلنی و قانونی برای فعالیتشان فراهم شود. و این نیز در حقیقت چیزی جز "سیاست صبر و انتظار" نیست. در دوره های گذشته هنگام تشدید سرکوب و اختناق در زمان حیات رژیم شاه هنجاری از جناح راست جبهه ملی نظیر الجبار صالح یک چنین سیاستی را مطرح کردند که به "سیاست صبر و انتظار" مشهور گردید. این سیاست در آن موقع نیز

طرفداران چندانی پیدا نکرد و در عمل با ورشکستگی کامل روبرو گردید. در مقاله دوم (به قلم رسول) آمده است: "... اکثریت جزو آندسته از نیروهایی بود که به سرهت و به طور اعلام نشده مارکسیسم و آرمان کمونیستی را رها کرده و به اندیشه های سوسیال - دمکراسی روی آوردند و در ادبیات سیاسی خود به تبلیغ و ترویج ایده ها و برنامه های احزاب سوسیال - دمکرات اروپایی پرداختند. طبعاً دفاع از چنین ایده هایی به معنی جانبداری از یک ایدئولوژی معین بود... با این وصف اکثریت خود را بدنبال چرخش اوضاع در "اردوگاه سوسیالیسم" یک "سازمان غیر ایدئولوژیک" نامید. اکثریت در کنگره دوم هم خود را یک "سازمان غیر ایدئولوژیک" معرفی کرده و این در حالی است که بحث هویت را پیش برده و در این رابطه قطعنامه ای زیر عنوان "دیدگاه ها و آماج ها" به تصویب رسانده است.

نخستین و در همین حال مهمترین سؤالی که در رابطه با هویت و آماج های اکثریت مطرح می شود این است که موضع وی نسبت به سرمایه داری و سوسیالیسم چیست؟ در قطعنامه مزبور هیچ موضعی در نفی سرمایه داری و حتی هیچ کلمه ای درباره سرمایه داری وجود ندارد. در این قطعنامه از "تأمین گسترده عدالت

اجتماعی، رهایی انسان از هر گونه ستم اجتماعی و طبقاتی، بهره کشی فرد از فرد، تأمین رفاه انسان ها و رشد آرزوهای همه جانبه آنها" و نیز "صلح پایدار جهانی، زدایش جنگ از حیات بشری، تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و احما مناسبات نابرابر و فارتگرانه بین شمال و جنوب" به عنوان هدف های اساسی سازمان به کرات یاد شده است. اما حتی اشاره ای هم به این که اصولاً این هدف ها آیا می تواند در نظام سرمایه داری تحقق پذیرند یا نه و این واقعیت که سیستم سرمایه داری منشا لاینحل ماندن مسائل اساسی جهان امروز و بشریت معاصر است، نشده است. هم چنین در قطعنامه نه از سوسیالیسم یا نظام سوسیالیستی بلکه از "ارزشهای سوسیالیستی" سخن رفته است. عدم موضع گیری در قبال سرمایه داری به عنوان یک نظام مبتنی بر استثمار انسان و سیستم ظالمانه غیر انسانی و سخن گفتن از ارزشهای سوسیالیستی به جای سوسیالیسم به مثابه یک سیستم اجتماعی عالی تر، نشان میدهد که اکثریت حتی از طیف احزاب و جریان های سوسیال - دمکرات نیز عقب تر رفته است. چرا؟ به این دلیل واقعی که سوسیال - دمکراسی به طور تیپیک در تئوری برگشت از سرمایه داری و "سوسیالیسم دمکراتیک" به عنوان سیستم اجتماعی آلت رناتیو سرمایه داری تأکید دارد.

می طلبد، یک مدافع حق حیات انسانی در صحنه ظاهر می شود. اما کمونیسم در معنای اخص آن، یعنی کمونیسم مارکسیستی نیز با حاکمیت حزب کمونیست شوروی زاده نشده و مخلوق آن نیست. هم مارکسیستی تقریباً دو برابر حاکمیت حزب کمونیست اتحاد شوروی است. این کمونیسم چیست؟ ۱۶۴ سال پیش مارکس و انگلس در آغازهای تلاش مشترکشان برای سمت دهی این جنبش، درک خودشان را از آن چنین بیان کردند: "برای ما، کمونیسم شرایطی را که باید ایجاد شود و آرمانی که واقعیت ناگزیر باشد خود را با آن انطباق دهد، نیست. ما همین جنبش واقعی را که به شرایط کنونی پایان می دهد، کمونیسم می نامیم. شرایط این جنبش از مقدمات هم اکنون حاصل می شود". بنا به این درک پایه گذاران فکری کمونیسم، این جنبش از هیچ اصل مجرد از پیش تعیین شده ای تبعیت نمی کند و قبل از هر چیز محصول خود سرمایه داری است. سرمایه داری از یکسو با تبدیل بخش فزاینده ای از جمعیت جامعه به افرادی که نقطه از طریق فروش نیروی کارشان می توانند زندگی کنند و با شکسته ساختن فزاینده شرایط زندگی آنان، مشروعیت و عقلانیت خود را در لیده بخش فزاینده ای از مردم زیر سوال می برد و از سوی دیگر با ایجاد دگرگونی های فنی و اجتماعی مداوم به همین مردم امکان

"کمونیسم مرد، زنده باد کمونیسم"

مطلق کردن قدرت، مردم را از دخالت در سرنوشت خویش محروم کند، همبستگی ملی در روند تاریخی جانشین همبستگی قبیله ای و قومی شد و این همبستگی به ایجاد مرزهای ملی و استقلال ملی تبدیل گردید و امروز تاریخ بشریت را در برابر یک تحول عظیم جهانی قرار داده است یعنی تحول تاریخی از همبستگی ملی و مرزهای ملی به همبستگی جهانی و قدرت جهانی که نه فقط از آزادی و دمکراسی ملت ها دفاع کند بلکه در رشد و گسترش اقتصادی و مبارزه با فقر و تقسیم عادلانه فرصت ها و درآمدها نیز به نفع کشورهای که از پیشرفت علمی و فنی و صنعتی و کشاورزی بازمانده اند نقش اساسی برعهده بگیرد. کمونیسم خودکامه چشم از دنیا فرو بست اما سرمایه داری چپاولگر خودکامه ساز نیز از نفس افتاده است، بنابراین قلم تاریخ بدین صورت رقم می خورد که به قول حافظ: بهالمی از نو باید ساخت و ز نو آدمی."

در مقاله دوم که به قلم محمدرضا شالگونوی است، گفته شده است: "گودتای ۱۹ اوت گذشته اتحاد شوروی بی تردید تیر خلاصی بود بر حاکمیت هفتاد و چهار ساله حزب کمونیست بر این کشور. و اکنون - در روزهایی که "توت" های قدرت کمونیست ها

کمونیسم به صورت موجود آن مرده است اما فقر و نابرابری و گرسنگی و محرومیت و ظلم و ستم و تجاوز و خشونت و استبداد و خودکامگی هم چنان در سراسر جهان وجود دارد؛ هر روز دهها هزار کودک از گرسنگی و بی غذایی می میرند و هر شب میلیون ها انسان با شکم گرسنه و همواره با وحشت و ترس از سرنوشت فردای خود سر به بالین می گذارند. هنوز میلیون ها انسان در سراسر جهان در زیر ستم خودکامگی مستبد و زورگو زندگی می کنند و هنوز فریاد میلیون ها انسان اسیر دست رژیم های جابری نظیر ایران و برمه و سوریه و عراق و عربستان و چین و ویتنام و... به جایی نمی رسد. الگوی لنین فقر را از جامعه انسانی ریشه کن نکرد اما الگوی سرمایه داری و اقتصاد بازار نیز خود داری رهایی انسان از فقر و ترس و دلهره از ذلت و فروماندگی ناشی از فقر نبوده و نیست بلکه خود زائیده فقر و تعصب و جهل است و سرانجام راندن انسان ها به سوی پیامبران دروغی و سازندگان بعثت های موعود که چیزی جز سرکوبگران خودکامه نیستند. هیچ مذهب و ایدئولوژی و حزب و سازمانی نمی تواند با

شماره ۸ و ۹ (شهریور و مهر ماه) اجتماعه آرش منتشر شد (این نشریه به مدیریت پرویز تلپخ خانی انتشار می یابد). در این شماره مطلبی با عنوان "کمونیسم مرد، زنده باد کمونیسم" از علی اصغر حاج سیدجوادی و مطلب دیگری با عنوان "ما را نمی توان دفن کرد" از محمدرضا شالگونوی درج شده است. هر دو مقاله در مورد کمونیسم است. ما در ذیل بخش هایی از این دو مقاله را نقل میکنیم. در مقاله اول آمده است: "الگوی لنینی از مارکسیسم از اساس یک الگوی برخاسته از فرهنگ و تمدن غربی نبود. الگوی از استبداد شرقی و تزاریسم بازمانده از پتر کبیر و ایوان مخوف بود. به قول مگل در کتاب فلسفه حقوق نظام شرقی زندگیست بسته به حرکت بسوی خارج است زیرا در داخل خود هیچ عملی برای استقرار ندارد و هر چه که بسته باشد ناچار متحجر است. آنچه باید در مورد روسیه و حزب کمونیست به عنوان عامل پیشتاز و تنها عامل قدرت گفت این است که برگی از دوران تاریخ با اثبات نارسایی و نقض بنیادی الگوی مارکسیسم لنینیسم و رتی خورده است و الگوی خاصی از یک امپراطوری استبدادی به شیوه تازه آن مضمحل شده است،

بازار نفت :

تحولات به کدام سو؟

نفت، همچنان محصول اصلی اقتصاد ایران است. ابتدائی ترین نیازهای مردم، از طریق فروش نفت در بازار جهانی و تامین بودجه ارزی واردات از این راه، برآورده می شود. در آینده قابل پیش بینی نیز جریان نفت، شریان حیاتی اقتصاد کشور ما باقی خواهد ماند. از این رو، ایران به شدت وابسته به بازار جهانی نفت است و تحولات آن، برای ما اهمیت بسیار دارد. همانگونه که افزایش در آمد اقتصاد ایران را به یکباره ۶۰٪ نیز لطمه ای جدی به اقتصاد ایران زد.

اکنون در مطبوعات غرب، سخن از رونق جدید نفتی می رود. به گزارش این مطبوعات، در بسیاری از کشورهای جهان تلاش های گسترده ای در زمینه اکتشاف منابع جدید نفتی و استخراج نفت از منابعی که تاکنون استفاده از آن مقرون به صرفه نبوده است، آغاز شده است. اگر این تلاشها به نتیجه برسد، موازنه فعلی در بازار جهانی نفت بهم خواهد خورد. شرکت های نفتی غرب سرمایه گذاری وسیعی در اکتشاف و استخراج از منابع جدید کرده اند. به عنوان نمونه، شرکت شورون تاکنون یک میلیارد دلار در گینه جدید (جنوب اقیانوس آرام) سرمایه گذاری کرده است تا از یک حوضچه نفتی ۳۰۰ میلیون بشکه ای که در زیر جنگل های انبوه در ارتفاع ۱۵۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد، نفت استخراج کند. در حالی که تاکنون یک قطره نفت نیز از این مخزن استخراج نشده است. اخیراً این پروژه نخستین قربانیان خود را گرفت: سه نفر در سقوط یک هلی کوپتر شورون کشته شدند.

آچه باهت رونق جدیدی که برخی مطبوعات، آنرا "انقلاب جدید نفتی" نامیده اند شده است، این است که تکنولوژی جدید، استخراج نفت را در بسیاری از کشورهایی که سابقه تولید نفت ندارند، ممکن کرده است. از سوی دیگر، تحول فضای حاکم بر سیاست جهانی به سوی همکاری و نزدیکی کشورها، باعث شده است که دولت جایی که تا پیش از این مایل به استفاده از کمک شرکت های نفتی غربی برای اکتشاف و استخراج نفت نبودند، دروازه های خود را به روی این شرکت ها بگشایند. دانیل برگین، رئیس یک موسسه پژوهش ها در زمینه انرژی می گوید: روشن است که یک نظام جهانی جدید نفتی سر برمی آورد نظامی با تجدید آرایش نقش ها، بازیگران جدید و قواعد جدید. این را نمی توان صرفاً یک گذار از هرصه سیاست به هرصه معاملات نامید. این، یک تکان شدید است.

هفته نامه آمریکائی نیوزویک می نویسد در وزارت نفت کشورهای شوروی، ونزوئلا، کویت، الجزایر، ایران، مکزیک و برخی دیگر از اعضای "کلوب نفتی" تحول آشکاری روی داده است. به نوشته این مجله، درهائی که ۱۵ تا ۲۰ سال پیش هنگامی که دولتها بطور یکپارچه امتیازات شرکت های نفتی خارجی را ملی می کردند، به روی نمایندگان شرکت های نفتی غربی بسته شد، اکنون باز می شود. کل مشی "ناسیونالیسم منابع" که اوپک را بر آن داشته قیمت را در طول دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ بالا تر و بالاتر برد... به تدریج تضعیف می شود.

شوروی که بیش از ۷۰ سال پیش شرکت های نفتی غربی را از مناطق نفتی باکو بیرون راند، اکنون پذیرای شرکت های نفتی است که در سبیری به اکتشاف نفت مشغولند. شرکت انگلیسی "ینترپرایز اویل" بعنوان نخستین شرکت غربی اجازه اکتشاف را در کامبوج گرفته است. چین برای پنج سال، بودجه ای معادل ۲۰ میلیارد دلار به اکتشافات نفتی اختصاص داده و با شرکت نفتی امریکائی آموکو توافق برای اکتشاف در یک منطقه ۲۷ هزار کیلومتر مربعی در جنوب دریای چین امضا کرده است. میان مار (برمه) از ۱۹۸۹ به تیم های شل، یونوکال، آموکو و چند شرکت نفتی دیگر اجازه حفر چاه های نفت را داده است. در اردیبهشت ماه، جمهوری اسلامی در افغانستان یک کنفرانس بین المللی نفت ترتیب داد که در آن نمایندگان چندین شرکت نفتی بین المللی شرکت داشتند. رفسنجانی در نطق خود در این کنفرانس، بر ضرورت "همکاری بین المللی" تاکید ویژه ای داشت. در این گردهمایی، آغوش مقامات جمهوری اسلامی برای پذیرش کمپانی های نفتی غربی چنان باز بود که مطبوعات امریکا، کنفرانس مزبور را "میجانی آشتی کتان" نامیدند. در افغانستان، مقامات ایرانی به میهمانان خارجی خود نمانندند که حاضر به معامله بر سر شرایط جدید اکتشاف و توسعه اند. یک کارشناس نفتی می گوید: "پیام کنفرانس افغانستان این بود که ایران آماده پیوستن مجدد به بازی است. قرار داد نموده ای که در کنفرانس پخش شد، برای کمپانی های نفتی به نسبت قبل از انقلاب حاوی مشوق های بهتری برای اکتشاف بود". ذخایر نفتی شناخته شده جهان تا پیش از ۱۹۹۰ حدود ۹۰۰ میلیارد بشکه تخمین زده می شد و اکنون به بیش از هزار میلیارد بشکه رسیده است. برای شناختن حوضچه های جدید، از لرزه نگاری سه بعدی استفاده می کنند. هر حوضچه ای که بیش از صد میلیون بشکه نفت داشته باشد، یک میدان "دارای اهمیت جهانی" محسوب می شود. جدیدترین اکتشاف مهم، کشف یک میدان نفتی بادیو میلیارد بشکه نفت در کلمبیا است. این مقدار نفت برابر است با یک چهارم نفت خلیج برودوی آلاسکا. مصرف روزانه نفت جهان ۶۷ میلیون بشکه است. از هنگام جنگ خلیج

منبع نوین انرژی و سودوزیانه های آن

منفی دیگر این آزمایش کاربرد تریتیوم در آن است. تریتیوم عنصری رادیواکتیو است. در صورت ایجاد خلل در کار نیروگاه و تابش پرتو رادیواکتیو به بیرون خطر هضمی همچون قاجعه چرنوبیل دامنگیر انسان می شود. نزون بر آن نوترون های ایجاد شده در روند واکنش در برخورد با فولاد دیواره نیروگاه آن را رادیواکتیو می سازند و در نتیجه این دیواره باید گشاده عوض شود. دشواری مدفون سازی این مقدار فولاد رادیواکتیو به مراتب بیشتر از دشواری دفن پسمان (زباله) اتمی نیروگاه های فعلی است. مجموعه دشواری های یاد شده، کاربرد این موفقیت آزمایشگاهی در زندگی روزمره بشر را در آینده ای نزدیک منتفی می سازد. ح-بهداد

نیروگاه (محفظه آزمایش) پیوسته باید سرد شود. دشواری آنجاست که اتمهای گداخته در برخورد با دیواره سرد نیروگاه بخشی از انرژی خود را از دست داده و واکنش را با دشواری مواجه می سازند. از این رو دانشمندان در اطراف دیواره درونی نیروگاه یک میدان الکترومغناطیسی ایجاد کرده و بدینسان اتمها را از برخورد با دیواره نیروگاه دور نگاه میدارند.

دوتریوم را می توان به آسانی از طریق تجزیه آب و تریتیوم را از تجزیه لیتیوم (در نیروگاه) تولید کرد. بر پایه برآوردهای دانشمندان ۵۰ سال طول خواهد کشید تا نتیجه این آزمایش کاربرد عملی و گسترده بیابد. چنانکه آمد، انرژی ایجاد شده تابشی است که تبدیل آن به انواع دیگر انرژی هنوز مشکل ناگشوده ای است. جنبه

هفته گذشته دانشمندان اروپایی برای اولین بار توانستند از رهگذر آمیزش هسته های گداخته نئیدروژن به منبع نوین انرژی دست یابند. به گفته مسئول این آزمایش هظیم، اتم های دوتریوم (ایزوتپی از نئیدروژن با یک پروتون و دو نوترون) و اتم های تریتیوم (ایزوتپی از نئیدروژن با یک پروتون و سه نوترون) در گرما ۲۰۰ میلیون درجه (۲۰ برابر دمای درونی خورشید) با یکدیگر در آمیخته اند. از رهگذر این آمیزش جلیوم (عنصر دوم جدول مندلیف)، نوترون و مقدار هظیمی انرژی پدید می آید. انرژی ایجاد شده در طرف یک ثانیه، ۱/۷ مگاوات انرژی تابشی بوده که از انرژی ایجاد شده در نیروگاههای اتمی به مراتب بیشتر است. در جریان واکنش، دیواره

برنده جایزه نوبل فیزیک ۱۹۹۱ کیست؟

پدید آورد. وی همچنین نشان داده است که سامانه های (سیستم های) فیزیکی گوناگون همچون مغناطیس ها و نراهادیها، ویژگی ها و قانونمندیهای همسانی دارند. در یک مغناطیس، گذار از سامان نظم به نابسامانی از دمای مشخصی شروع می شود. در دمای بالاتر از این دما سامان اتمهای مغناطیس از هم فرومی پاشد و ویژگی مغناطیس اندک اندک ناپدید می شود. بر پایه یافته های دژنس دانشمندان امکان آن را یافته اند که با روش های پیچیده تغییرات مشخص و مطلوبی را در نظم سامانه های مختلف پدید آورند. هم اینک دژنس سرگرم پژوهش بر روی تراچسبایی (سوپر چسب ها) است که تاثیر آن بر روی مواد، هنوز شناخته شده نیست. دست اندرکاران صنایع به کشف جدید دژنس توجه فراوانی نشان می دهند. به گفته دژنس شاید روزی بتوان با کمک این چسبها قطعات هواپیما را هم بدون استفاده از جوش و پرچ به هم پیوند زد. دژنس ۱۰ دسامبر امسال، یعنی در زادروز آلنرد نوبل، جایزه نوبل فیزیک را دریافت خواهد نمود. ح-بهداد

ویژگی مایع گونه و از سوی دیگر سختی مواد کریستالی را از خود نشان می دهند. این کریستال های مایع در میان دو صحنه شیشه ای موازی شناورند که فاصله میانشان (شیشه ها) از ده میلیون میلیمتر فراتر نمی رود. سطح درونی شیشه ها با یک لایه نلزی شفاف هادی برق پوشانده شده است. در حالت عمادی پرتوهای نور از میان مولکولهای کریستال مایع به راحتی می گذرند. با گذار برق از میان این مولکولها، آنها به چرخیدن می آغازند و وضعیت خود را چنان دگرگون میکنند که راه بر گذار پرتوهای نور از میان آنها بسته میشود. به گفته دیگر، این مولکولها از نظم و سامان یافتگی به بی سامانی گذار میکنند. هر نقطه و خط کوچک در صحنه ساعت های دیجیتالی (بی عقربه) و یا ماشین حساب ها چیزی نیست جز یک سلول کریستالی با جریان برقی مشخص. یک صفحه ساده کامپیوتر برای نمونه در بردارنده ۲۵۰۰۰۰ (دویست و پنجاه هزار) نقطه تصویری (سلول های کریستالی) است. این رقم در صفحه تلویزیون بسیار بزرگتر است. در واقع دژنس کوشیده است که نابسامانی کریستال های مایع را تابع نظم و قانونندی کند و با تغییر میزان برق، آنها را در خشان و یا کدر کرده و بدینسان اجزای اولیه اعداد، تصاویر و نمودارها را

پیر ژیل دژنس دانشمند ۵۸ ساله فرانسوی، برنده جایزه نوبل فیزیک امسال از پیشگامان پژوهش در زمینه فیزیک مولکولی می باشد. وی که از سوی همکارانش "نیوتون فرانسه" نام گرفته با پژوهش های خویش نشان داده است که مولکولها و ترکیبات پیچیده در شرایط مشخصی (مثلاً در دمای بسیار زیاد) واکنشی قانونمندتر از فرض و گمان ها از خود نشان میدهند. پاره ای از این واکنشها چنان پیچیده اند که فیزیک دانان تا چندی پیش از یافتن مبنا و قاعده مشترکی برای آنها ناتوان بودند. سرانجام دژنس توانست این واکنشها را در بسیاری از مواد همچون مایعات و پلیمرها و ناموده و توضیح دهد و برای آنها مبانی مشترکی بیابد، امری که راه را برای توسعه و فراگشت کامپیوتر و وسایل دیداری (بصری) الکترونیکی همچون تلویزیون و گشود. ویژگی بصری کریستال های مایع نخستین بار در سال های دهه ۶۰ برای نشان دادن اعداد در ماشین های حساب و ساعت های مچی به کار گرفته شد. روی یک صفحه مسطح می توان تصاویر، نمودارها، حروف الفبا و اعداد را به نمایش درآورد. نمایش دهنده این تصاویر و نمودارها از دو رشته مولکولی دراز ساخته شده اند که از یکسو



فلسطینی‌ها در تدارک مذاکرات دو جانبه

نمایندگان فلسطینی شرکت کننده در کنفرانس مادرید، در بازگشت به مناطق اشغالی مورد استقبال گرم ساکنان این مناطق قرار گرفتند و بلافاصله فعالیت گسترده‌ای را در تدارک مذاکرات دو جانبه آغاز کردند. این نمایندگان، در آستانه گشایش کنفرانس به سرعت برگزیده شدند و تا قبل از کنفرانس فرصت تشکل و سازمان‌یابی را نیافته بودند. اکنون با کمک مالی کشورهای عربی، هیات نمایندگی فلسطینی با سرگرم ایجاد تشکیلاتی برای تدارک مذاکره با طرف مقابل است.

در گروه‌های کاری که این هیات تشکیل می‌دهد، برخی از رهبران فلسطینی که در بیات حضور ندارند، حق رای و نظر دارند. شرکت کنندگان در نشست مادرید، هر روز در دانشگاه‌ها، سینماها و سایر اماکن همومی سخنرانی‌هایی دارند که طی آن می‌کوشند از موضع خود دایر بر مذاکره با اسرائیل دفاع کنند. تا کنون، تشنج قابل ملاحظه‌ای بر اثر مخالفت با کنفرانس مادرید دیده نشده است.

حنان هشرای سخنگوی هیات فلسطینی در تندترین مباحثاتی که در دانشگاه‌های الخلیل و رام الله داشته، برنده از کار درآمده است. اگرچه اعضای هیات فلسطینی گاه به گاه تجدید به مرگ می‌شوند، بنیادگرایان اسلامی در برابر محل سخنرانی آنان اعلامیه پخش می‌کنند و برخی جوانان معترض و نقاب دار علیه آنها دست به تظاهرات می‌زنند اما به نظر می‌رسد اکثر ساکنان مناطق اشغالی طرفدار مذاکره با اسرائیل اند.

تا کنون، مواضع اسرائیل و فلسطینی‌ها آشتی ناپذیر باقی مانده است. در حالی که اسرائیل تنها حاضر به پذیرش نوعی خودمختاری محدود اعراب ساکن مناطق تحت کنترل خود است، فلسطینی‌ها خودمختاری را تنها مرحله‌ای

بینابینی در روند تشکیل دولت مستقل خود می‌دانند. هیات نمایندگی فلسطینی می‌گوید که حاضر به دادن قول از پیش برای ایجاد کنفرانس با اردن نیز نیست.

علیرغم این مواضع متضاد، دو طرف بدون طرح پیش شرط به سوی مذاکرات دو جانبه می‌روند. فلسطینی‌ها قطع شجرک سازی اسرائیل در مناطق اشغالی را شرط انجام مذاکرات قرار داده‌اند. هیات فلسطینی فهرستی از ۲۵ اقدام "ایجاد اعتماد" به آمریکا و شوروی تسلیم کرده است. در صدر این فهرست، خواست قطع شجرک سازی اسرائیل قرار دارد. این سند تاکید می‌کند اسرائیل باید کنوانسیون ژنو در مورد مناطق اشغالی محبوب ۱۹۴۹ را بطور کامل رعایت کند. طبق این کنوانسیون، اسکان دادن اهالی کشور اشغالگر در مناطق تحت اشغال و نیز بیرون راندن ساکنان مناطق اشغالی ممنوع است. کنوانسیون مزبور مقرر می‌دارد که اخراج شدگان از مناطق اشغالی باید حق بازگشت به این مناطق را داشته باشند. از خواستهای دیگر فلسطینی‌ها، لغو بقایای مقررات استعماری انگلیس است که طبق آن مثلا خانه و اموال "کش کنندگان قانون" تخریب می‌شود. فلسطینی‌ها همچنین خواهان آنند که ارتش اسرائیل به حضور خود در شهرها، روستاها و اردوگاه‌های پناهنده، زندانیان سیاسی آزاد شود و سانسور خاتمه یابد. فهرست خواستهای هیات فلسطینی، علاوه بر این شامل گشایش دوباره موسسات آموزشی است که اشغالگران به دلیل

انتفاضه تعطیل کرده‌اند. فلسطینی‌ها آنند که انجمن‌های محلی انتخاب شده در سال ۱۹۷۶ که توسط اسرائیل برکنار شده‌اند، دوباره اداره امور را در دست گیرند و مالیات اسرائیلی‌ها بر واحدهای اقتصادی لغو شود. از دیگر خواستهای اقتصادی لغو محدودیت سرمایه‌گذاری در مناطق اشغالی و محدودیت شمار کارکنان واحدها و پس دادن زمین‌های مصادره شده به مالکان قبلی آنهاست. فهرست خواستهای فلسطینی‌ها لغو محدودیت سفر ساکنان مناطق اشغالی به بیت المقدس و به خارج از این مناطق را نیز در بر می‌گیرد. در این فهرست همچنین این خواست دیده می‌شود که اسرائیل دیگر به مناطق اشغالی "یهودا و شومرون" اطلاق نکند و ممنوعیت برافراشتن پرچم فلسطین لغو گردد. از دیگر اقدامات "ایجاد اعتماد" که فلسطینی‌ها ضروری می‌دانند، بیرون آوردن کنترل نیروگاه‌های بیت المقدس شرقی از دست اسرائیل است.

بدون تردید در جریان کار هیات فلسطینی شرکت کننده در مذاکرات، نفوذ سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) افزایش یافته است. برخی ناظران معتقدند اسرائیل با فشاری بر عدم مذاکره مستقیم با ساف، نه تنها به ساف لطمه نزده، بلکه کار را برای این سازمان سهل تر نیز کرده است. ساف که سالهاست با اسرائیل مبارزه می‌کند، اکنون بدون اینکه با مذاکره با اسرائیل بهانه به دست مخالفان افراطی خود بدهد، از طریق هیات نمایندگی فلسطینی بر روند

مذاکرات تاثیر می‌گذارد. اعضای هیات فلسطینی‌ها به گونه‌ای برگزیده شده‌اند که در انظار جهانیان دیگر جایی برای اتهامات اسرائیل که گویا فلسطینی‌ها تروریست و افراطی اند باقی نماند. آمریکا ظاهرا پذیرفته است که مذاکرات میان اسرائیل و همسایگان عرب آن بر پایه قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت صورت گیرد. این امر در نطق افتتاحیه جرج بوش در مادرید نیز مورد اشاره قرار گرفت. البته تفسیرهای مختلف از این دو قطعنامه وجود دارد. دولت اسرائیل می‌گوید قطعنامه‌های شورای امنیت خواهان خروج اسرائیل از بخشی از مناطق اشغالی شده‌اند و نه همه آن. طبق این تفسیر، اسرائیل با پس دادن صحرای سینا به مصر، قطعنامه‌ها را اجرا کرده است.

اما شواهد موجود حاکی است که دولت آمریکا حاضر به پذیرش چنین تفسیری از قطعنامه‌های شورای امنیت نیست. جرج بوش و جیمز بیکر در مادرید تاکید کردند که راه حل صلح آمیز، باید با "عقب نشینی‌های ارضی" توأم باشد. آمریکا ظاهرا از فرمول "زمین به ازای صلح" دفاع می‌کند. آیا این شواهد کافی است که بتوان سخن از تغییر بنیادین استراتژی آمریکا در خاورمیانه به میان آورد؟ برخی تطبیق سخن فریبی از چنین تغییری سخن می‌گویند. طبق نظر آنها، تا قبل از فروپاشی سوسیالیسم و اتحاد موجود، آمریکا که خود نمی‌توانست با دخالت مستقیم نظامی از منافع خویش در منطقه دفاع کند، به اسرائیل به مثابه

دژی در برابر کشورهای عربی که حیطة نفوذ سنتی شوروی بودند، نیاز داشت. از این نیاز با زوال قدرت شوروی و روی آوردن فزاینده اعراب به آمریکا، کاسته شده است. از سوی دیگر جنگ خلیج فارس نشان می‌دهد که در "نظم نوین جهانی" ایالات متحده می‌تواند با توسل به زور خود مستقیما در راه پیشبرد اهدافش، حتی در همجواری بلا فصل شوروی، اقدام کند و موفق شود و بدین منظور وابسته به متحدانی مانند اسرائیل نیست. در شرایط تشدید رقابت آمریکا با اروپا و ژاپن، کنترل نفت خاورمیانه اهمیت روزافزونی برای واشنگتن می‌یابد و بهترین راه تحکیم این کنترل و گسترش آن، جذب هر چه بیشتر کشورهای عرب به حیطة نفوذ آمریکاست. دولت‌های عرب که دهه‌هاست در برابر ملت‌های خود مدعی مبارزه با تجاوز صهیونیسم بوده‌اند، برای همراهی با این روند به امتیازات مقابل آمریکا، هر چند جزئی نیاز دارند.

اینکه چنین امتیازات متقابل، تا چه حد شامل احقاق بخشی از حقوق فلسطینی‌ها باشد، از دید ناظر عادی تحولات، که از بند و بست‌های پشت پرده کنفرانس‌های بین‌المللی بی‌خبر است پنهان است. آنچه عیان است، این است که اروپای غربی بر خلاف تمایل خود، نقش چندانی در روند آغاز شده ایفا نمی‌کند. آمریکا تقریبا به تنهایی کارگردانی مذاکرات صلح را بر عهده دارد و به عنوان مثال به فرانسه که خاورمیانه را در حوزه نفوذ خود می‌داند، مجال زیادی برای دخالت در این روند نمی‌دهد.

آیا آینده یوگسلاوی در میدان جنگ تعیین میشود؟

محاصره سه ماهه شهر ووکوار در شرق جمهوری کروواسی یوگسلاوی، با تصرف این شهر توسط ارتش فدرال این کشور شبه نظامیان صرب، پایان یافت. در روزهای آخر، جنگ ووکوار خیابان به خیابان و خانه به خانه جریان داشت. جنگ، این شهر را بکلی ویران کرده است. با شکست کروات‌ها، خارج کردن حدود ۱۴ هزار غیر نظامی که در زیرزمین‌های خانه‌های ویران و نیمه ویران پناه گرفته بودند، آغاز شد. دولت کرواسی تصمیم گرفت ووکوار را بدون قید و شرط به ارتش یوگسلاوی واگذار کند تا "امنیت غیر نظامیان تامین شود". سقوط ووکوار بدنبال شکست تلاش چند هفته‌ای جامعه اروپا برای میانجی‌گری در جنگ یوگسلاوی بوقوع پیوست. لردکارتینگتون نماینده این جامعه نتوانست مواضع طرفین جنگ را به یکدیگر نزدیک کند. آتش بس‌های منعقد شده بین ارتش وگارد ملی کرواسی، یکی پس از دیگری

شکسته شد و جنگ، هر هفته ویرانگرتر و خونین‌تر ادامه یافت. کوشش آلمان برای به کرسی نشاندن موضع حمایت آمیز صریح از کرواسی در جامعه اروپا، با شکست مواجه شد و دولت‌های اروپایی نتوانستند بر سر اعلام تحریم رسمی صربستان به توافق برسند. این دولت‌ها هنوز استقلال اسلوونی و کرواسی را به رسمیت نشناخته‌اند. تحریم‌هایی که علیه یوگسلاوی وضع شده است، هملا همه جمهوری‌ها را در بر می‌گیرد و نه تنها صربستان را. یونان که روابط اقتصادی گسترده‌ای با صربستان دارد، حتی همین حد از تحریم را نمی‌پذیرد.

ناتوانی جامعه اروپا بعنوان قدرت برتر در منطقه، لاقلاً تا کنون زمینه را برای این فراهم کرده است که سرنوشت بحران توسط فردس تعیین شود که برتری نظامی دارد. تاکنون، صربستان و ارتش فدرال یوگسلاوی از برتری نظامی برخوردار بوده‌اند. ظاهراً هدف نظامی بلگراد از عملیات اخیر، تصرف بخش‌های هر چه بیشتری از قلمرو کرواسی است تا به اتکا به آن، بتوان در مذاکرات آتی امتیازات بیشتری گرفت. واقعیت این است که مرزهای فعلی میان جمهوری‌های یوگسلاوی هملا بازتاب توزیع جمعیت این کشور نیستند. در مناطق گسترده‌ای از کرواسی فعلی، صرب‌ها زندگی می‌کنند و معلوم نیست کرواسی مستقل برای آنها چه حقوقی قائل خواهد شد.

آنچه که مسلم است، این است که بازنده اصلی جنگ داخلی یوگسلاوی، مردم این

کشورند. تنها جنگ بر سر ووکوار هزاران کشته برجای نهاده است. شهرها و روستاهای ویران، اقتصاد از هم پاشیده، گسترش فقر و کینه ملی، همه و همه ثمرات این جنگ بی رحمانه‌ای بازمسلم است که یک راه حل نظامی به سود هر کس که باشد، به بحران یوگسلاوی خاتمه نخواهد داد. پیروزی نظامی این یا آن طرف، آغازگر دورهای از انباشته شدن کینه است که در پایان آن، آتشی تازه برانورخته می‌شود. آنچه بر ابعاد قاعده می‌افزاید، این است که قدرت‌های بزرگ اروپایی، بر خلاف ادعاهای خود در بالکان بیش از آنکه بدنبال برقراری صلح و آرامش باشند، اهداف سلطه طلبانه خود را دنبال می‌کنند. سیاست آنها در قبال این منطقه از اروپا، ادامه همان سیاستی است که به جنگ جهانی اول انجامید و اکنون با هشتاد سال وقته‌پی‌گیری می‌شود. اگر چنین نبود دولت‌هایی مانند دولت آلمان به جای استقبال و تشویق ضمن اعلام استقلال جمهوری‌های ثروتمند از یوگسلاوی فقیر، کوشش خود را متوجه پیشبرد مقیاس‌کل اروپا شعار آترابری پرچم خود نوشته‌اند: زوال دولت‌های ملی، برچیده شدن مرزها، وحدت اروپایی. در حالیکه همه از اتحاد اروپا سخن می‌گویند، به تلاشی اتحادها و ندراسیون‌های موجود در یوگسلاوی و شوروی با نوهی احساس رضایت می‌نگرند: از اروپا شنیدن این اتحادها، حوزه‌های نفوذ جدید به وجود خواهد آمد. در آلمان از هم اکنون برای کرواسی و اسلوونی مستقل بعنوان حیطة نفوذ سیاسی و اقتصادی حساب باز کرده‌اند.

باز آغاز فصل سرما...

بقیه از صفحه ۱۲

مراکز توزیع کمک‌های جنسی، ذخیره برنج از ۲۵۰ تن به ۳۰ تن کاهش یافته است. سهمیه یک خانواده ده‌الی دوازده نفری که تبار هر ماه ۲۰ کیلوگرم برنج بود، به ماهی ۱۰ کیلوگرم رسیده است. در میان ده هزار نفری که این مرکز باید تحت پوشش قرار دهد، سهمیه برنج تنها به نیازمندترین خانواده‌ها تعلق می‌گیرد.

یک پزشک همسو سازمان امداد بین‌المللی "مدیکو اینترنشنال" می‌گوید تنها در منطقه پنجوین، دویست هزار نفر فاقد هرگونه امکانات برای به سر آوردن زمستان خواهند بود.

سازمان ملل متحد تا مدت‌ها از ترتیب دادن برنامه‌های امداد به مردم کردستان خودداری کرده است. در توجیه این خویشتن‌داری، مقامات این سازمان می‌گویند که نمی‌خواهند با کمک به کردها "بیطرفی" خود را تقصیر کنند. با این حال، برخی اقدامات مورد تصویب قرار گرفته است. برای ساختن ۳۲ هزار مسکن

موقت، با ۲۵۰ کامیون مصالحی مانند چوب و ورق فلزی به منطقه بفرستد. از این تعداد تا اواسط اکتبر تنها ۷۵ کامیون از مرز عراق و ترکیه عبور کرده بودند. اما حتی این کمک ناچیز با به پایان رسیدن مأموریت امدادگران که تا آغاز سال آینده ادامه دارد، قطع خواهد شد. در واکنش نسبت به این موضع غیر فعال سازمان ملل، جلال طالبانی اخیراً گفت این سازمان بیشتر نگران حاکمیت عراق است تا سرنوشت کردها.

برحمت صمیمت‌هایی که دامن مردم کرد را گرفته است، باید حولات سنگین نیروی هوایی ترکیه به کردستان عراق را نیز افزود. ترکیه ظاهراً برای مقابله با چریک‌های "حزب کارگران کردستان" (پ‌کا) طرف سه‌هوائی کردها است.

وضع شهرهای کردستان چندان بهتر از مناطق روستایی و کوهستانی نیست. نیروهای ارتش عراق در آن شهرهایی که ویرانشان نکرده‌اند، قبل از عقب نشینی دست به تارت گسترده‌ای زده‌اند. بسیاری از ساختمانها درو پنجره ندارند، شیشه‌هایشان

شکسته است، خطوط انتقال برق قطع شده و میلمانی که قابل حمل نبوده، تخریب شده است. یک امدادگر آلمانی می‌گوید نیروهای صدام حتی قیچی اتاق حمل را نیز با خود برده‌اند.

در چنین شرایطی، مذاکرات مسعود بارزانی نماینده جبهه کردستان با حکومت بغداد برای بستن قرارداد خودمختاری، بی نتیجه مانده است. حتی اگر این مذاکرات به نتیجه برسد، از بد بینی مردم کردستان نسبت به حکومت عراق که بارها مهاجرات و وعده‌ها را زیر پا گذاشته است، کاسته نخواهد شد. جبهه کردستان که در شرایط اضطراری به گفته سیاستمداران کرد قادر به بسیج ۲۰۰ هزار نفر مسلح خواهد بود، برای مقابله با حمله احتمالی آتی رژیم عراق مواضع خود را مستحکم تر کرده و آماده است تا با سنگر بندی، پیشروی دشمن را کندتر کند. اما اگر باز دیگر جنگ درگیر، کردها در برابر ارتش مجبور عراق تاب مقاومت نخواهند داشت.



آوارگی و انتظار، سرنوشت مردم

ترکیه: ائتلاف...

دمیرل می‌خواهد یازده وزارتخانه از کل ۳۲ پست وزارت دولت را به سوسیال دمکرات‌ها بدهد در حالیکه سوسیال دمکرات‌ها خواهان چهارده اینونو علاوه بر معاونت نخست‌وزیر، پست وزارت خارجه را نیز برعهده گیرد. ناظران می‌گویند در حالیکه اوزال و دولت "حزب مام وطن" در سیاست خارجی دنباله‌رو مطلق آمریکا بود، سوسیال دمکرات‌ها در صدد سمت‌گیری ترکیه به سوی اروپای غربی را تقویت کنند.

تکیه : ائتلاف دمیرل و اینونو

"حزب راه راست" (دیپ) و حزب سوسیال دمکرات ترکیه توافق کردند که یک دولت ائتلافی تشکیل دهند. دیپ به رهبری دمیرل که در انتخابات اخیر بیشترین کرسی‌ها را در پارلمان بدست آورد اما نتوانست اکثریت مطلق کسب کند، در میان سه متحد ممکن (حزب مام و وطن اوزال رئیس جمهور، دست راستی‌های افراطی و سوسیال دمکرات‌ها) حزب سوسیال دمکرات مردمی به رهبری اردال اینونو را برگزید.

علیرغم توافق محافظه‌کاران به رهبری سلیمان دمیرل و سوسیال دمکرات‌ها در مورد برنامه دولت آتی، تشکیل دولت به علت عدم توافق آنها بر سر تعداد پست‌های وزارت و کنترل وزارت آموزش و پرورش ترکیه به تعویق افتاده است. این وزارتخانه از آن رو اهمیت دارد که ترکیه در حال حاضر در سیستم آموزشی خود شاهد تشدید روزافزون فعالیت بنیادگرایان اسلامی است. درگیری‌های سالهای اخیر بر سر مجاز بودن یا نبودن "حجاب اسلامی" در دانشگاه‌ها و اختلاف بر سر شناسایی یا عدم شناسایی مدارس مذهبی به عنوان مدارس با مدرک تحصیلی رسمی، نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد جنگ میان سکولاریسم و بنیادگرایی در ترکیه تاجه حد در نظام آموزشی تمرکز یافته است. در حالیکه سوسیال دمکرات‌ها خواهان محدود کردن نفوذ بنیادگرایان اند، حزب دمیرل مایل نیست به مقابله با افراطیون مذهبی بپردازد و از این بابت بخشی از پتانسیل انتخاباتی خود را از دست بدهد. قرار بود در روز ۱۸ نوامبر فهرست اعضای دولت جدید معرفی شود. عدم توافق طرفین ملاقات دمیرل و اوزال را که قرار بود طی آن فهرست وزیران اوزال تقدیم شود، به تعویق افکند. بقیه در صفحه ۱۱

در افغانستان دولت انتقالی تشکیل میشود

مرتضوی سخنگوی حزب وحدت اسلامی: جنگ در افغانستان بزودی پایان می‌یابد

است که آمریکا و شوروی در مورد ریاست صفت‌اله مجددی بردولت انتقالی افغانستان به توافق رسیده‌اند. گویا این توافق دو ماه پیش و به هنگام دیدار جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا از مسکو که به توافق دو کشور بر سر قطع ارسال اسلحه به طرفین درگیر در افغانستان منجر شد، به عمل آمده است.

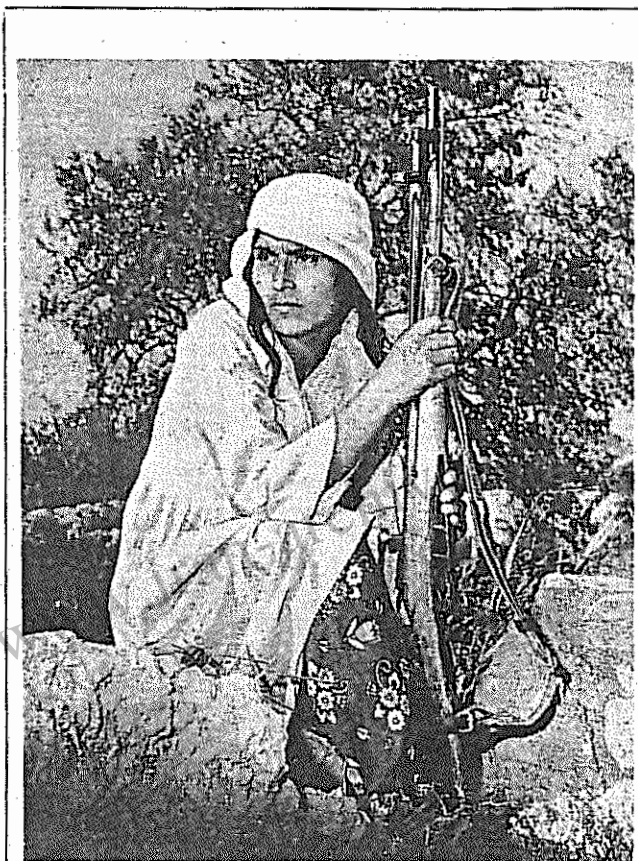
هرستان سعودی با وجود آنکه یکی از حامیان همدمه مالی شورشیان افغانی مقیم پاکستان

در سال‌های گذشته بود، تاکنون حضور رسمی و آشکار در بحران افغانستان نداشت. اما بر اساس توافق اخیر در مسکو، این کشور نیز رسماً وارد گود کوشش‌های سیاسی برای پایان دادن به جنگ داخلی و بحران افغانستان می‌شود. هم چنین در توافق نامه مسکو نظارت سازمان کنفرانس اسلامی در انتخابات آتی در افغانستان نیز گنجانده شده است. این دو مورد احتمالاً بنا به تمایل و اشاره عربستان سعودی و

دیدار هیات نمایندگی مجاهدین افغان مسکو و مذاکرات آنها با مقامات شوروی، به توافق میان آنها برای تشکیل دولت موقت انتقالی در افغانستان منجر شد. بر اساس بیانیه‌ای که روز شنبه (۲۵ آبانماه) در پایان مذاکرات هیات مجاهدین با نمایندگان وزارت خارجه شوروی انتشار یافت، بزودی مذاکرات صلح افغانستان زیر نظر دبیرکل سازمان ملل متحد آغاز خواهد شد. مرتضوی سخنگوی حزب وحدت اسلامی در بازگشت از مسکو در مصاحبه‌ای با رادیوی جمهوری اسلامی اعلام کرد که جنگ بزودی قطع می‌شود و از اول ژانویه یک دولت موقت در افغانستان تشکیل میگردد.

دولت انتقالی که زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود، موظف خواهد بود حداکثر تا دو سال بعد از تحویل قدرت انتخابات سراسری در افغانستان برگزار نماید. سازمان ملل متحد و نمایندگان از سوی سازمان کنفرانس اسلامی برگزار می‌کنند نظارت خواهند داشت.

در مورد ترکیب حکومت انتقالی و مشی سیاسی آن هنوز توافقی صورت نگرفته است و قرار است این موضوع در آینده نزدیک در کنفرانسی با شرکت جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، اتحاد شوروی و عربستان سعودی حل و فصل گردد. به گزارش خبرنگارها تقاضای نمایندگان مجاهدین مبنی بر کنار گذاشتن دولت کنونی افغانستان از مذاکرات صلح و ترکیب دولت انتقالی با مخالفت مسکو روبرو شده است. در همین حال در گزارش دیگری از سوی خبرنگارها که پیش از دیدار نمایندگان شورشیان افغان از مسکو انتشار یافت، گفته شده



آیا انتظار پایان می‌یابد و صلح در راه است؟

بازگشت شواردنادره

میخائیل گارباچف با کسب موافقت ادوارد شواردنادره جهت احراز دوباره پست وزارت خارجه شوروی، موفقیت دیگری در رقابت خود با باریس یلتسین بر سر کنترل مرکز قدرت سیاسی در آنچه از اتحاد شوروی باقی مانده است کسب کرد. شواردنادره که پس از شکست کودتا، گارباچف را متهم به همدستی با کودتاچیان کرده بود، اینک به وزارت خارجه شوروی باز می‌گردد. او اخیراً در مصاحبه‌های خود گفته است که باید از تجزیه شوروی به جمهوری‌هایی که هر یک قدرت نظامی و سلاح‌های اتمی دارند، جلوگیری کرد. ظاهراً آنچه گارباچف و شواردنادره را به یکدیگر پیوند می‌دهد، اعتقاد بر دوی آنها به ضرورت حفظ اتحاد شوروی است.

در همین حال باریس یلتسین نیز بی‌کار ننشسته است. به دستور او، حسابهای ارگان‌های دولت مرکزی شوروی مسدود شد. حدود ۸۰ وزارتخانه و ارگان این دولت در حال منحل شدن اند. در کنار تلاش‌های گارباچف برای حصول توافق میان جمهوری‌ها بر سر حفظ بازار مشترک و اتحاد اقتصادی، یلتسین برنامه اصلاحات مستقل اعلام کرده و اختیارات ویژه‌ای از پارلمان روسیه گرفته است. برخی مقامات دولت یلتسین هلنا می‌گویند که باید گارباچف را از صحنه سیاسی به کناره راند.

معلوم نیست که در چنین شرایطی، بازگشت شواردنادره به وزارت خارجه شوروی، به معنای جانبداری او از گارباچف در جنگ قدرت با یلتسین باشد. اکنون حضور شوروی به مثابه یک قدرت یکپارچه، در صحنه سیاست بین‌المللی ضرورت دارد. این یک ضرورت پراگماتیک است که همه، مستقل از موضع سیاسی، آن را احساس می‌کنند. تنها مسئله کنترل سلاح‌های اتمی کافی است که نشان دهد ادامه موجودیت یک قدرت متمرکز در شوروی برای امنیت جهانی تا چه حد اهمیت دارد.

پاکستان از سوی نمایندگان مجاهدین مقیم پیشاور در مذاکرات مسکو طرح گردیده است. مشارکت مستقیم عربستان سعودی در مذاکرات صلح افغانستان، تا حدی می‌تواند موضع پاکستان و شورشیان مقیم پیشاور را تقویت نماید. پس از توافق آمریکا و شوروی مبنی بر قطع ارسال سلاح به طرف‌های درگیر در افغانستان، موافقت نامه اخیر میان نمایندگان مجاهدین و مقامات شوروی را باید دومین رویداد بااهمیت و مثبت پیرامون بحران ۱۳ ساله افغانستان در ماه‌های اخیر تلقی کرد که به میزان زیادی چشم‌انداز صلح را در آن کشور روشن تر می‌کند. وزارت خارجه جمهوری اسلامی پس از انتشار بیانیه مشترک مجاهدان افغان و مقامات شوروی، رسماً از توافق حاصله پشتیبانی کرد. نهد شاه عربستان نیز از توافق مسکو دفاع کرد و آن را رهگشای حل عادلانه بحران افغانستان نامید. آنطور که از گزارش‌های خبرنگارها در هفت‌های اخیر برمی‌آید پاکستان نیز جانب تلاش‌های صلح‌جویانه را گرفته و نواز شریف نخست‌وزیر آن کشور در اتمام مجاهدین مقیم پیشاور به تشکیل هیاتی برای سفر به مسکو که بر اثر اختلافات میان مجاهدین با مشکل روبرو شده بود، نقش مثبتی ایفا کرده است. هم‌اکنون هیاتی از شورشیان افغانی بریاست صفت‌اله مجددی برای گفتگو با دبیر کل سازمان ملل متحد در نیویورک بسر می‌برد. خاویر پرز دکوئیار دبیر کل سازمان ملل نیز اخیراً آمادگی خود را برای میانجیگری در مذاکرات صلح افغانستان اعلام کرده است. با توافق اخیر مسکو احتمالاً این مذاکرات حول تشکیل دولت موقت انتقالی صورت جدی و همه‌جانبه به خود خواهد گرفت.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمبر پستی و یار سیدبانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
○ شش ماهه ۴۵ مارک	○ شش ماهه ۵۲ مارک
○ یک ساله ۹۰ مارک	○ یک ساله ۱۰۴ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

KAR No. 24 27. November 91	ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کدبانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY	آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY

خود استفاده می‌کنند. شهر پنجوبین در نزدیکی مرز عراق تا پیش از ویران شدن توسط بمب افکن‌ها و نظامیان صدام حسین، حدود ۶۰ هزار نفر جمعیت داشت. اکنون در ویرانه‌های شهر و دره مجاور آن ۱۸۰ هزار آواره زندگی می‌کنند. بسیاری از این مردم رازنان بیوه و کودکان یتیم شده تشکیل می‌دهند. آنها مدتهاست که بدون نتیجه انتظار تضمین‌های بین‌المللی برای بازگشت امن به خانه‌های خود را می‌کشند. بسیاری از مردان جوان، از ارتش عراق گریخته‌اند و در صورت بازگشت، سرنوشت نامعلومی در انتظار آنهاست. جبهه کردستان، که ائتلاف همه احزاب کردستان عراق است، شمار آوارگان را ۸۰۰ هزار نفر تخمین می‌زند و می‌افزاید حدود ۶۰۰ هزار تن از این شمار، در معرض تهدید گرسنگی اند.

کارشناسی مانند مسئول "مرکز کمک‌های انسانی ملل متحد" در شهر سیدصادق عراق می‌گویند تعداد مردم کرد که در این فصل به امدادسانی نیاز خواهند داشت، حداقل ۴۰۰ هزار تن خواهد بود.

بقیه در صفحه ۱۱

بازگشت فصل سرما کردستان عراق در انتظار فاجعه‌ای جدید

می‌برد که در حاشیه یک جاده اطراف کرده‌اند. این خانواده، هرآنچه را که توانسته قبل از تصرف روستای محل سکونت قبلی خود در اربیل از دارائی خود همراه بردارد، باریک و انت کرده است. خبرنگار آلمانی تاکید می‌کند که این خانواده با داشتن وانت در زمهره آثمائی است که آسوده تر



یک روستای کردستان عراق که بر اثر بمباران ارتش ترکیه ویران شده

زمستان سخت کوههای سر به فلک کشیده شمال عراق فرامی‌رسد. برای مردم بلاکشیده کردستان، شمارش معکوس در انتظار فاجعه‌ای جدید، آغاز شده است. هنوز هم صدها هزار آواره در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کنند. آغاز زمستان به معنای مرگ هزاران نفر از سرما، گرسنگی و بیماری خواهد بود. در مناطق آزاد شده، مسئولین محلی کرد با کوهی از مشکلات مواجهند که به تنهایی از عمده آن بر نمی‌آیند. اکثر سازمانهای امداد بین‌المللی، منطقه را ترک کرده‌اند. شرب که به مختضای نیازهای تبلیقاتی خود پس از جنگ خلیج فارس برای کردها اشک تمساح می‌ریخت، اکنون سرنوشت مردم کردستان را به بوته فراموشی سپرده است. صدها هزار تن از مردم از ترس بمب‌ها و موشک‌های صدام حسین هنوز به خانه و کاشانه خود در شهرها و روستاها بازنگشته‌اند. اردوگاههای بزرگ برچیده شده‌اند، اما مردم در گروههای کوچک در سراسر کردستان پراکنده‌اند. هفته نامه آلمانی اشپیگل به عنوان نمونه از یک خانواده متشکل از زن و شوهر، دو کودک و یک زن سالخورده نام